

## دکتر عزیزه اسگری

AZIZEH ASGARI M.D.  
Obstetrics & Gynecology

جراح و متخصص بیماریهای زنان و زایمان

16661 Ventura Blvd # 309 Encino Ca 91436

(818)995-6046

از انتشارات ایران چاپ

\$0.25

# عصر امروز

Tel: (818) 783-0000 www.asreemrooz.com

اتو استیگلر با ۵ سال سابقه STIEGLER, INC.

فروشنده بیشترین اتومبیل های مرسدس بنز به جامعه ایرانی

John J.R Stiegler

خوشحال است عرضه کننده بهترین سرویس و خدمات بعد از فروش به مشتریان ایرانی باشد

(818) 788-0234

16721 Ventura Blvd, Encino

Vol 18, No:4052, Fri 09 Dec 2005 Tel: (818) 783-0000 Fax: (818) 783-3679 Email: info@asreemrooz.com

سال مجدم - شماره ۴۰۵۲ جمعه مجدم آذر ۱۳۸۴ (نشره روزانه ایرانان خارج از کشور)

۱۰ فیلم برتر  
روز  
بر روی  
پرده های  
سینمایی جهان

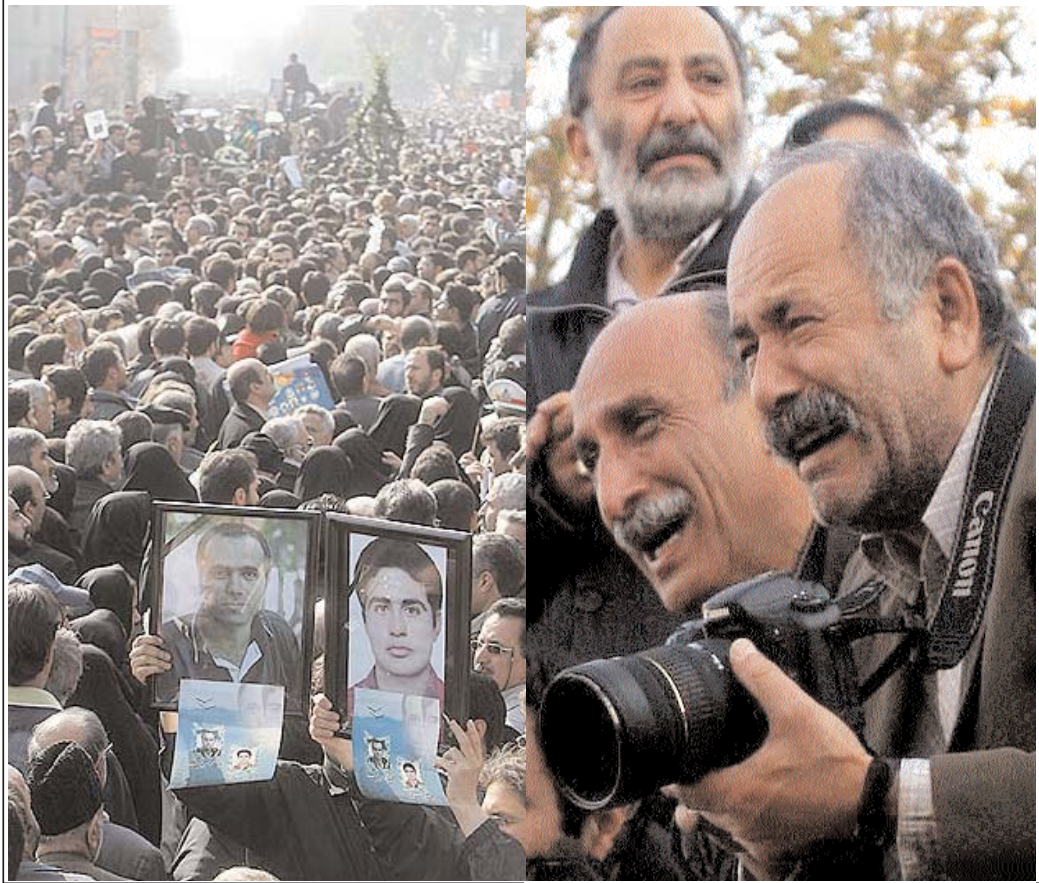
## رستوران جوان

۱۱۵۰۰ سانتامونیکا بلوار

از چهارشنبه تا شنبه با پیاپی دنواز بیژن قادری  
دلیوری تا شعاع سه مایل مجانی

۵۵۵۵ - ۲۰۷ (۳۱۰)

www.javanRestaurant.com



عکس روز: چه سخت است تهیه عکس و گزارش مرگ رفیقی که تادپروز با او بود

## برای زیباتر شدن با آرتی تاشیرازی

در مرکز جراحی زیبایی دکتر جورج بوریس تماس بگیرید

جراحی زیبایی بینی - کشیدن پوست صورت - برداشتن خطوط صورت - عمل پلک های چشم - کوچک و بزرگ کردن سینه - بوتاکس و کالوژن - گذاشتن چانه و گونه - تمامی تآک - برطرف کردن مشکل خرخر - لایپوساکشن و شکل دادن به اندام

Tel: 1-800-893-7788

## اطلاعیه کالیفرنیا تور بازار

تورهای بهاره و تابستانی خود را از هم اکنون رزرو کنید:

تور فرانسه و ایتالیا ۱۲ روزه هر ماه

شامل هتل های ۴ ستاره و ۵ ستاره در پاریس - رم - فلورانس - ونیز - سیتی تور شوی کاباره لیدو گردش با کشتی روی رودخانه سن

همه و همه فقط ۲۵۰۰ دلار

قیمت و سرویس ما زبانزد خاص و عام است

تلفن تماس: ۸۴۸۴-۳۴۴-۸۱۸ اورنج کانتی: ۲۵۱-۹-۲۵۱-۹۴۹

## رستوران شمال

سرویس برتر قیمت مناسب تر

خوشمزه ترین غذاهای ایرانی و محلی شمالی

۴ روز هفته با موزیک زنده و شنبه ها رقص قاسم آبادی و بندری بدون موزیک جارج

دلیوری مجانی تا ۳ مایل و کترینگ

۱۹۵۴۸ Ventura Blvd., Tarzana  
TEL: (818) 998-609

هزاران ایرانی هر روز عصر امروز در روی اینترنت می خوانند  
www.asreemrooz.com  
Email: info@asreemrooz.com

## La Valencia Jewelry

### جواهری لا والنسیا

مجموعه منحصر به فرد از زیباترین جواهرات، برلیان و سنگ های قیمتی

بمدیریت هرمز اقبال

256 North Beverly drive Beverly Hills Ca 90210  
Tel: 310-859-7915 www.lavalenciajewelry.com

## Babylon

### بابیلون مرکز سلامتی

بزرگسالان در شهر تارزانا

این مرکز در محیطی گرم و دلپذیر با کادری دلسوز و آگاه آماده پذیرائی از شما عزیزان می باشد. بابیلون دارای برنامه های منظم روزانه، شامل غذای گرم و سرد، فعالیت های بدنی، خدمات اجتماعی و پزشکی (مانند روانشناسی، رژیم های غذایی و دارویی) همراه با تفریحات سالم، شامل رقص و آواز، سرگرمی های مختلف روزانه، بازدید از مراکز جالب و دیدنی، یوگا، زبان انگلیسی، کامپیوتر و بینگو می باشد. ضمناً وسایل ایاب و ذهاب رایگان است

38-57  
5955 Lindley Tarzana, Ca 91356 (818)996-9172

## ALFI CONSTRUCTION INC

General Contractor License#: 819837

### انجام همه گونه کارهای ساختمانی

### از اماکن مسکونی تا اماکن تجاری

اضافه کردن اتاق - حمام - آشپزخانه - سقف - کف پوش و هر کار ساختمانی که شما داشته باشید با حداقل قیمت و تعهد نسبت به پایان کار در موعد تعیین شده

431 (818)486-2413

## مرکز تحقیقاتی دکتر تورج رئوف

برای تحقیق در مورد بیماریهای زیر داوطلب می پذیرد:

- ۱- جوش های صورت
- ۲- دردهای مزمن کمر و Osteoarthritis
- ۳- بیماری های فارچی پوست psoriasis
- ۴- تورم پاها به علت مصرف داروهای دیابت
- ۵- دردهای ماهیچه ای به علت داروهای کلسترول
- ۶- کلیه آزمایشها و داروهای لازم برای واجدین شرایط رایگان بوده و مخارج رفت و آمد پرداخت می گردد.

لطفاً برای اطلاعات بیشتر هر چه زودتر با ما تماس بگیرید

۱۶۱۳۳ Ventura blvd. suit ۴۴۰, Encino, CA ۹۱۴۳۶  
Tel: (818) 788-5060 www.drtaoof.com

39-58

## ثریا رسمی نماینده بیمه

ارائه مناسبترین نرخ های بیمه:

سلامتی - دندان - عمر - اتومبیل - تجاری - منزل - زلزله و نیز بیمه افراد ۶۵ سال به بالا

۱۴۴۴ - ۶۰۰ (۳۱۰) ۸۱۸۳ - ۷۳۱ (۸۱۸)

## رستوران شیراز

باغذاهای متنوع و سرویس عالی

پنجشنبه شهباموسیقی اصیل ایرانی با صدای دلنشین پژمان باقری جمعه و شنبه شهبایاوحیدنوازنده کیبوردخواننده معروف شنبه شهبها همراه بارقص زیبای عربی

15472 Ventura Blvd  
(818)789-7788

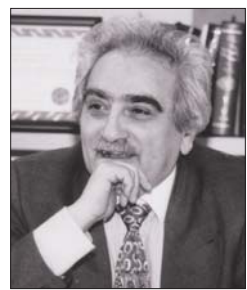
دلیوری مجانی تا شعاع ۲ مایل

حرفهای روز



از عباس پهلوان

تلفن مستقیم سردبیر ۲۸۴-۷۸۳(۸۱۸)



چهره ای از اشک ها و لبخندها...

پایان هر نامی که با شهرتی، محبوبیتی یا تفریحی و بدنامی چشمگیری از دار دنیا می رود، بی شک خاطراتی از خود باقی می گذارد و حرف و حدیث بسیاری بدرقه راه او می شود؛ به خیر و یا به شر. لعنت و یا رحمت. تحسین و یا تقدیر... و "منوچهر نودری" یکی از این نام هاست. نامی مشهور، نامی که ناکفته موجی از خاطرات شیرین را به یاد هر کسی می آورد و لبخند بر لبان انسان می نشاند.

حکایت پرپرور و دیروز را - در حال و احوال اسفناکی که داشتم- هر جور بود، سر و ته اش را به هم آوردم که خواندند. با این حال دیروز عصر پس از فراغت از آماده کردن روزنامه پنجشنبه، ساعت ها با منوچهر نودری خلوت داشتم در چند گفتگویی که با نشریات مختلف تهران از او چاپ کرده بودند- تا امروز یاد نامه ای ولو جمع و جور از او داشته باشم.

آن چه او در این مصاحبه ها گفته است، همه زندگی هنری و شمه ای نیز از وضع خانوادگی اوست ولی آن "نودری" باهوش، بذله گو و شیرین سخن و حاضر جواب، نکته سنج و خلاق، پنهان مانده بود. آن مرد مهربانی که گاه در خود اشک می ریخت، سریع التأثر بود و چنان عاطفی که در همان لحظاتی که قهقهه شیرینیش را می دیدی و می شنیدی، دقایقی بعد می توانستی چشمان لبالب از اشکش را- تحت تأثیر صحنه ای و گفته ای و یا حال و احوال غمزده و پریشان دوستی-

تیز ببینی. او مانند اکثر هنرمندان کمدی به شدت عاطفی بود - نمونه گویای اشک ها و لبخندها- آن اوچی را که در وجود چارلی چاپلین دیده ایم و بسیاری از کمدین هایی که در دل خود می گریند و ترازوی پنهان زندگیشان را، ادامه می دهند.

آیا آن روزها و ساعتی که او بر لب میلیون هموطن خود از رادیو و تلویزیون خند می نشاند و دلشان را شاد می ساخت. هیچ تصور می کرد که دو سال و نیم در گوشه زندان، ترازوی تلخ زندگی خود را ادامه دهد؟ و در واقع تصویری از آن قطعه مشهور "تیمای پوشیچ باشد: آدم ها که در ساحل نرسیده، شاد و خندانند! یک نفر در آب جان می کند قربان!"/>

... و دو سال ونیم او در غرقاب زندان، دست و پا می زد و زمزمه می کرد:

شب تاریک و بیم موج و گردابی چنین هایل / کجا داند حال ما سبکباران ساحل ها/

دوست نادان او غلطیده بود و او را نیز با خود به گرداب بلا افکنده بود. به قول حضرت اجل سعدی: ای برادر ما به گرداب اندریم/ و آنکه شغبت می کند بر ساحل است.

مرد شادی ساز و مسرور با آن قلب حساس و دلی پر عاطفه دو سال ونیم در پشت دیوارهای زندان ماند و فریاد رسی سراخ او را نگرفتند. ولی "نودری" با این حال با گشاده دلی با طبع بلند خود، با دل کندن از همه آن کسانی که امیدی به لطف و مرحمت و بزرگواری و سپاس آنان داشتند- در زندان و گوشه انزوا ماند و تحمل کرد:

گر ملامتگر نداند حال ما عیش نکن / ما میان موج دریایم و او بر ساحل است.

صبح جمعه ای های آن سال ها!

این که با وجود سردبیری مجله فردوسی، سردبیری برنامه شما و رادیو را هم قبول کردم، یکی از سوالاتی بود که در اواخر دوران گذشته از سوی جماعتی از جوانان خواننده مجله بخصوص بعضی از دانشجویانی که در موسسه ارتباطات کیهان تحصیلات داشتند ، اغلب مطرح می شد.

اول این که ما "حزبی" نبودیم. عضو هیچ یک از این جمعیت هایی که آن زمان و یا آن اواخر "فد" و "ماوراء" را تابلو کرده بودند و چهارچوب تنگ و دشواری را برای محک زدن صلاحیت صالح آدم ها و چهره ها، داشتند و فرمول سخت و زخمی: هر که با نیست برماست!!

ولی حتی آنها هم برای گذران زندگی خود دست بر قضا نمی گذاشتند و سوراخ ها می رفتند و به مشاغل مشغول می شدند که خیلی از بر و بچه های مطبوعاتی، قلمزنان و شاعران و روشنفکران، سعی می کردند که در آن حوالی حتی گذریشان نیفتد، مبادا که تعی تر شود.

در آن سال ها، زمانی که پرویز خطیبی نوسنده با ذوق زبر دست (شاعر و طنز پرداز و نماینده نویس) یک تنه برنامه چند ساعته صبح جمعه را می گرداند، خسته شده و کار را زمین گذاشته بود- و این برنامه لنگان لنگان مانده بود - که دوستان آستین بالا زدند و به توصیه مرحوم دکتر منوچهر آزمون و همت مهدی قاسمی که بزرگ دبیر شواری نویسندگان رادیو ایران بود و حمایت خود او ( با تمام اگر و مگر ها و موش دوانی هایی که دیگران می کردند و حتی مسؤولین را می ترسایند) این بنده در واقع با بهترین طنز نویس آن روزگار به برنامه شما و رادیو لشکر کشی کردیم که همچنان دوستون اصلی آن، کارگردان برنامه (حمید قبری، هنرمند پیشکسوت) و "شماهرخ نادر" (تیه کننده زبردست و با ذوق) آن مانده بودند.

وقتی از دوستان طنز نویس دعوت کردم، هر کدام با اشتیاق فراوان می آمدند: منوچهر محجوبی، حسین مدنی، هادی خرسندی، منوچهر احترامی، محمد پورقانی، منوچهر استهاردی، احمد اوند و دوسه تن از همکاران هفته نامه طنز "توفیق که متاسفانه نامشان را از یاد برده ام" یعنی مواد اولیه برای پخت و پز یک برنامه طنز انتقادی و حتی سیاسی (در حد معقول) به تمامی فراهم بود و طبق معمول باید نوشته ها و اشعار آنان را برای یک برنامه حدود سه ساعته آماده کرد.

در این هیر و ویر اطلاع داند که مرحوم مستجاب الدعوه که مجری متبحر و سرزبان دار برنامه صبح جمعه بود و خانم فروزنده اربابی مشتری به بلبل رادیو، حاضر به ادامه برنامه نشده و کناره گرفته اند.

بقیه در صفحه ۵



دوست خائن؟!

نویسنده: شهرام همایون

روزی که رضا شاه آگاه شد "حسین" دوست و همکلاسی "محمد رضا" دو چرخه ی وی را به سرقت برده - و از همین روی، چند روزی است که در دیوار ظاهر نمی شود- هیچگاه فکرش را هم نمی کرد که همین "حسین فردوست" از اتاق جنب دفتر "محمد رضا شاه پهلوی شاهنشاه آریامهر" توربین انقلابی شود که صدایش به گوش شاه شاهان نیز برسد و منجر به پایان شاهنشاهی پهلوی در ایران شود. که اگر جز این بود حتما امر به احضار "حسین" نمی داد و دوباره او را ملازم و همدم ولیعهد خود نمی ساخت.

اما به راستی چرا هیچ وقت کسی از خود و از تاریخ نپرسیده است چه دستی، چه قدرتی، پسری که نام حسین را که فرزند یک گروهبان ساده ی ارتش بود، در کنار ولیعهد قرار داد تا آنجایی که در سفر به سوئیس همین آدم نسبتا مذهبی که بعدها، در کمتر مهمانی دیواری نیز شرکت می کرد و اصول رفتاری دیواری نداشت- همسفر ولیعهد باشد و در جوانی، بار گرمابه و در گلستان شاه جوان شود!؟

بی شک اگر هزاران تن درباری ی شما سختی بگویند و مثنوی هفتاد من کاغذ بیایند، به اندازه یک جمله که همسران درباری ی شما بگویند در اطرافیان شما موثر نخواهد افتاد چرا که وی به دلیل "هم خانه بودن" با شما، برای هر گونه اظهار نظر و سخن پراکنی پیشاپیش از سوی دیگران، پذیرفته شده است. حسین فردوست نیز چنین بود. او طبعاً شریانی داشت که سخن اش، اظهار نظرهایش، عین واقع تلقی می شد و به دلیل دسترسی و نزدیکی دیرینه به شاه، قدرت القا هر اندیشه ی درست و نادرستی را داشت.

ساده انگار نباشیم. همه ی ما انسانیم و انسان تأثیرپذیر است و این که مردی از کودکی، در کنار انسان رشد کند، در جریان نیک و بد زندگی مان باشد از شب و روزمان آگاه باشد، طبعاً قدرت تأثیرگذاری بیشتر و موفق تری خواهد داشت و چنین است که "حسین" موفق به آن کاری شد که دشمن "حتی با لشکر مجهز" نیز نمی توانست انجام دهد.

اما "حسین فردوست" و شبکه باندی که او به دقت انتخاب و در کنار خود چیده بود، چه کردند؟ آنها نه در امور مملکتی و نه در امور ارتشی و نه در نظام اجتماعی اخلال نکردند، آنها حتی در وظایفی که به ایشان محول می شد، در نهایت تلاش و کوشش را انجام می دادند تا نشانی از خیانت بر جای نگذارند.

آنها فقط یک کار کردند و عجباً که همین یکی نتیجه داد. "حسین فردوست" از ابتدای ماموریتش، آمده بود که شاه را از مهمترین اهرم قدرتش دور کند. مسلم این که قدرت رهبر یک جامعه، نه به ارتش او، نه با ماموران امنیتی و نه مال و منال اوست. در طول تاریخ دیده ایم زمانی فرا می رسد که همه ی این ابراز ظاهری قدرت، به سادگی و آسانی از دست می روند- که هیچ- بلکه در اختیار دشمن و علیه صاحب قدرت به کار گرفته می شود.

بقیه در صفحه ۵

ما وقع!

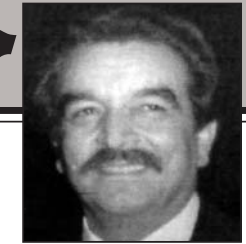
عباس جان عزیزم، سلام امید که روز خوبی آغاز کرده باشی و تلخی های دیروز از جانت رخت پرسته باشد. این که قدیمی ها می گفتند آدمی "آه است و دم است!" مانند بسیاری از گفته هایشان در یک حکمت گسترده ای ریشه داشته است. دیشب هوا سرد بود. خیلی سرد، دلم نیامد "سگ" حیوان زبان بسته در حیاط منزل باقی بماند. در تاریکی رقم و او را صدا زدم. زمین ها از



فواره آب شبانه خیس بود. حیوان با همه هیکل خود، از فرط ذوق و شوق روی من پرید و مرا به زمین در غلتاند. سه انگشت دست چپم، دو انگشت دست راستم و مخ دستم خویشتن شد و علاوه بر آن سرم به زمین خورد و دیگر چیزی نفهمیدم. ساعت ده شب با گریه دخترم آترینا به خود آمدم. دخترک نازنین دست های مرا بامد پیچی کرده بود. برای اینکه او ناراحت نشود، خودم را سرحال نشان دادم. اما تا صبح از درد نخوابیدم. بدین ترتیب تو و خوانندگان روزنامه ات داشتند از دست نوشته هایم راحت می شدند، کما این که امروز به همین دلیل راحت

هستند. مگر مقاله های من جز ذکر ما وقع و حقایق روزانه است؟! قربانت پرویز

حق زندگی، نه بردگی



محمد سعید حبشی

حیران مانده ام، مردم تا چه زمان می خواهند منتظر بمانند و سکوت کنند؟ این همه احتقان، این همه زندانی، این همه اعدام، این همه ویرانی، این همه فساد، این همه بی آبرویی، این همه چپاول و این همه با جان دیگران بازی کردن کافی نیست تا برخیزند و حشاشان را از این دولت بی لیاقت و ناآگاه که کمر ناپودی ملت ایران و خصوصیات فرهنگی و سنتی و ملی این سرزمین را بسته اند، بگیرند؟

در حیرت که کشورهای پیشرفته جهان که به تمدن خود می نازند و پرچم حقوق بشر را به سپنه خود زده اند تا چه زمان می خواهند برای رسیدن به منافع شخصی خود پایه های این حکومت ظالم را با بده و بستان های سیاسی محکم نگاه دارند و به مردم مظلوم و در بند این سرزمین که از بخت بد نقت دارد، پشت کنند؟

آنقدر ماجرای این حکومت شگفت انگیز شده که شخصی از روی استیصال می گفت: گاهی وقت ها

فکر می کنم حکومتی که بر ایران حکومت می کند، حکومت برحقی است که مردم این چنین مظلومانه و ساکت زیر دست آنها تن به هر کاری می دهند و در عوض حکومت دیگر کشورها آنها تن بی پایه و سست و بی بخار هستند که مجبور شده اند برخلاف ادعاهایی که می کنند تابع این حکومت باشند و هر چه که آنها می گویند مجبور به اطاعت هستند و به آن عمل می کنند! از روزی که خبر پرواز فاجعه آفرین خبرنگاران و مقامات ارتش ایران به گوشم خورد که در اثر برخورد هواپیما به یک ساختمان ده طبقه مسکونی عده ای از مردم بی گناه هم کشته شده اند، به ماجرای آتش زدن سینما رکس آبادان فکر می کنم که در آن عده ای را زنده زنده سوزانند.

بقیه در صفحه ۵

S.L.A HANDIMAN 38-57 پارکت، تایل، نقاشی، لوله کشی، درایووال، حمام، آشپز خانه، سقف درو پنجره 310-963-7519 SAM SAM R. Remodeling (818) 776-1829

VALLEY PRODUCE MARKET Good from December 7th - December 13th SIMI VALLEY 1117 E. Los Angeles Ave (At First St.), 805-583-2300 Mon-Sat 9-8; Sun 9-6 RESEDA 18345 Vanowen (At Reseda Blvd.), 818-609-1955 Mon-Sat 9-7; Sun 9-5 Service Deli Smoked Turkey Breast \$2.79 LB. Smoked Ham \$1.99 LB. Swiss Cheese Limit 5lbs. \$2.99 LB. Greek Feta Limit 5lbs. \$1.99 LB. Meat Dept Pork Ribs Limit 15lbs. \$1.59 LB. Boneless Chicken Breast Limit 15lbs. \$1.19 LB. Top Sirloin \$2.79 LB. Red Seedless Grapes Limit 10lbs. \$1.59 LB. Cilantro Limit 20 Bunches \$1.00 LB. Celery Limit 8 \$1.00 LB. White Corn Limit 9 \$0.99 FOR 3 Fairchild Tangerines Limit 20lbs. \$1.00 LB. Bacon Avocado Limit 9 Pc \$0.99 FOR 3 American Eggplant Limit 9 Pc \$0.99 FOR 3 Fuji Apples Limit 15lbs. \$0.99 LB. Red Potato Limit 20lbs. \$0.99 LB. Italian Eggplant Limit 15lbs. \$2.00 LB. Tilapia (Whole, Cleaned) Limit 5 Fish \$0.67 LB. Brown Onions Limit 20lbs. \$1.00 LB. Celery Limit 8 \$1.00 LB. White Corn Limit 9 \$0.99 FOR 3 Fairchild Tangerines Limit 20lbs. \$1.00 LB. Bacon Avocado Limit 9 Pc \$0.99 FOR 3 American Eggplant Limit 9 Pc \$0.99 FOR 3 Fuji Apples Limit 15lbs. \$0.99 LB. Red Potato Limit 20lbs. \$0.99 LB. Italian Eggplant Limit 15lbs. \$2.00 LB. Tilapia (Whole, Cleaned) Limit 5 Fish \$0.67 LB.

عصر امروز ASRE EMROOZ

ملیر: همایون هوشیار تژاد سردبیر: عباس پهلوان Tel: (818) 783-0000 Fax: (818) 783-3679 IRANIAN PUBLISHING INC. ASRE EMROOZ.com 16661 Ventura Blvd#212 Encino, CA 91436 Tel: (818) 783-0000 Fax: (818) 783-3679 www.asreemrooz.com

یک چهره هنرمند و محبوب ، یکتا در دوبله، رادیو و تلویزیون، سینما و روی صحنه تاتر، که به ادبیت پیوست

# هنرمند شادی ساز و خنده آفرین طاقش تمام شده بود!

فروش داشتیم.

● **تاتر کمندی بود.** مردم خسته بودند، می آمدند می خندیدند ولی ناروایی کردند و باعث شد تاتر را رها کنیم.

تاتر به به نظر ام از همه هنرها دلپذیرتر و برتر است.

● آن چیزهایی که ما بیست سی سال پیش می گفتیم و مردم می خندیدند حالا اصلا خنده دار نیست.

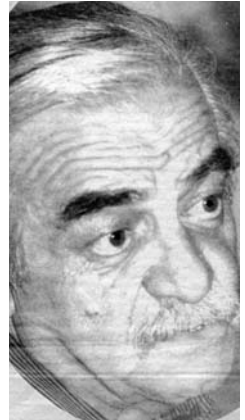
جامعه عوض شده، جوانها چیزهای دیگری می خواهند و دل مشغولی های تازه ای دارند. ما به عنوان

کمدین و هنرمند اگر بخواهیم این جوان ها و این نسل تازه را بخندانیم باید تلاش بیشتری بکنیم و کشف

های تازه و ایده های جدید را در دستور کار خودمان قرار بدهیم و

گرنه موفقیت چندان به دست نخواهیم داد.

● **قبلا دوبله ایران بهترین دوبله در دنیا بود.** الان هم اگر کار را به کننده اش بدهند، بهترین است. الان برایشان



فرقی نمی کند که درست دوبله شود یا بد. فقط می خوانند فارسی شود، همین.

ما در دوبله بزرگان زیادی داریم مثل منوچهر اسماعیلی ... که این ها را کنار گذاشتند و از کسانی استفاده می کنند که ادای این بزرگان را در می آورند و مرده خور هستند. خب این ها که خودشان هستند از خودشان

بقیه در صفحه ۴

ایشان عکاسی می کرد، تمام عکس های کارت پستالی مناظر ایران آن زمان کار او بود. بعد، علاقمند فیلمبرداری شد و این کار را یاد گرفت. هیچ کس هم نفهمید چطور این کار را کرد.

● **او بعدها به شعبه دانشگاه "سیراکوز" رفت.** هم دوره رضا بدیعی بود ولی برادرم تحصیل در این دانشگاه را ادامه نداد. چند نفر دوست

بودند. لطیف پور، برادرم، رضا بدیعی، پرویز بهرام هم بود. به هر حال

فیلمبرداری را شروع کرد و معرفی می کند ایشان دعوت کردند برای کار به رادیو پروم. من عاشق کار

رادیو بودم ولی در ابتدا زست گرفتم باید دعوت نامه رسمی بفرستند. همین

کار را کردند. ولی پدرم مخالفت کرد. ۶ ماه این دعوت نامه در جیب بود ولی پدرم اجازه نمی داد تا این

که دو روز به عید مانده در منزل را برایش باز کردم و گفتم: بابا امسال عیدی می خواهم! گفت: من که هر

سال عیدی می دهم! به او گفتم: عیدی امسال فرقی می کند! فهمید، مرا بغل کرد، اشک ریخت و گفتم: برو، ولی هیچ وقت خبر بد درباره ات نخواهم، احترام خانواده را از بین نبر!

تا امروز که این جا نشسته ام به قول وفادار مانده ام.

● من با مرحوم برادرم ۶ سال اختلاف سنی داشتیم ولی در خانواده همه باهم صمیمی بودیم.

همین طور ایرج دوستدار که خدا رحمتشان کند، علاوه بر دوبله، اخلاق، رفتار و معاشرت را از آن ها آموختم. هر دو در زندگی ام بسیار موثر بودند.

● **اولین فیلمی که دوبله کردم به اسم خانه قایقی بود و من جای کاری گرات حرف می زدم.** خانم زاله علو

که آن زمان در رادیو کار می کرد، جای سوفیا لورن حرف زد. بعد

از نمایش فیلم گویا پاشا سمیعی رئیس وقت رادیو از خانم علو سراغ دوبلور

کاری گرات را گرفته و خانم علو مرا معرفی می کند ایشان دعوت کردند برای کار به رادیو پروم. من عاشق کار

رادیو بودم ولی در ابتدا زست گرفتم باید دعوت نامه رسمی بفرستند. همین

کار را کردند. ولی پدرم مخالفت کرد. ۶ ماه این دعوت نامه در جیب بود ولی پدرم اجازه نمی داد تا این

که دو روز به عید مانده در منزل را برایش باز کردم و گفتم: بابا امسال عیدی می خواهم! گفت: من که هر

که هم کار می کنم و هم درس می خوانم، می فهمید نیاز مالی دارم و نمی خواهم از زیر درس خواندن فرار کنم. همه خواهر ها و برادر ها اهل مطالعه بودند. الان هم دختر و پسر هر کدام به ۶ زبان مسلط هستند.

دخترم استاد دانشگاه است و زبان اسپانیولی تدریس می کند. در خانواده ما تحصیل و مطالعه موروثی است.

● **اما چطور شد یایم به دوبله کشیده شد؟ آقای لطیف پور، در منزلمان با برادرم کار داشت.** از او خواهش کردم

که به مدرسه ما بیاید و از جشن ما دیدن کند. کلاس نهم بودم. ایشان هم

آمد برنامه را دید و بعد گفت: سری به ما بزن تو به درد دوبله می خوری. یک

روز رفته استودیو شاپ در خیابان هدایت، آن ها مشغول دوبله فیلم دختر

نمک زار بودند. ما راجله ماسترویانی را آقای فریدون قنقی می گفت و نقش آدم بدجنس را آقای ایرج دوستدار.

یک پسر به اسم "جیمی" در فیلم

## منوچهر نوذری می گفت: از مرگ نمی ترسم ولی تنها آرزویم این است که یک بار دیگر برنامه های راه شب و صبح جمعه را اجرا کنم

همراه نقش اول فیلم بود که همان روز اول دوبله او را به من واگذار کردند.

گوشی نداشتم و امکانات خیلی ساده بود. باید چند بار فیلم را با صدا می دیدیم، یکی دوبار هم بی صدا و بعد

دوبله را انجام می دادیم. من همان ضبط اول تمام جملات را بدون اشکال

گفتم. بعد از مدتی خودم استودیو دوبله راه انداختم، کار فنی کردم...

باید گفت که هوشنگ لطیف پور، حتی به گردن خیلی از دوبلورها دارد.

می خواندم.

● **مخارجی داشتم که پدرم توانایی تامین آن را نداشت.** من عاشق سینما

بودم، می خواستم زیاد سینما بروم، آپارات بخرم ... برای همین شروع به

کار کردم. دیلم گرفتم و در رشته ادبیات به دانشگاه رفتم. دو سال

درس خواندم ولی دانشگاه را رها کردم. اما زبان خواندم، اهل مطالعه

هم بودم. هنوز هم کتاب زیاد می خوانم. چون متقدم کسی اگر ۱۰

مدرک لیسانس همه داشته باشد، جفانی شروع شد. شهرویر ۱۳۲۰

تواند حرف بزند، اما من که کارم حرف زدن با مردم بود، باید اطلاعات

عمومی زیادی جمع می کردم و همین کار را کردم. خوشبختانه همواره این

اطلاعات به کارم آمده است.

● من به پدرم نمی گفتم به خاطر سینما این کار را می کنم، چون

علاقه به کار داشتم قرار شد بعد از ظهرها درس بخوانم. پدرم دیکتاتور

نبود. گاهی نصیحت می کرد ولی دید

● **شما هم ول کنید، بروید پی کارتان، مبارزه بی مبارزه.**

++ **چه کنیم که دلمان برای دری وری های شما تنگ می شود؟**

● **جلسات پر دوسر!**

● **شاهزاده رضا پهلوی ماهی یک بار هم که شده، به یک شهر بروند و با ایرانیان دیدار کنند.**

++ یعنی برنامه کله و گله گذاری و شکایت از همدیگر و چغلی کردن ...!

● **استدعا از امام زمان!**

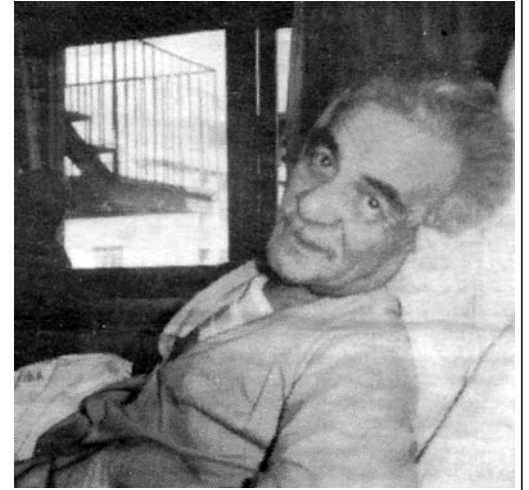
● **از این امام زمان شیعیان استدعا کنید به جای ظهور خودشان در ایران، چند میلیون ایرانی را به کشورشان برگرداند.**

++ **همه این چند میلیون باید درخواست خود جداگانه بنویسند و آن را در چاه جمکران بیاندازند تا رسیدگی شود!**

● **آخوندها را سوار کنید!**

● **این ارتشی ها چرا پیش دستی نمی کنند و آخوندها را سوار هواپیماهای آنچنانی نمایند؟**

++ **همه اشان هواپیمای اختصاصی دارند و معمولا هم از این ناپرهیزی ها نمی کنند!**



● آن چه می خوانید از لابلای مصاحبه های متعددی است که زنده یاد منوچهر نوذری هنرمند کم نظیر ما در سال های اخیر با مجلات مختلف تهران داشته است

تهران در خیابان ناصر خسرو درس خواندیم. منزل ما که عوض شد در

جاده قدیم شمیران نزدیک امجدیه که من به دنیا آمدم. سه ماهه بودم که

از قزوین به تهران آمدم. پدرم زمانی رئیس اداره فرهنگ

دوران رضا شاه بود. خیلی خوب نقاشی می کرد. اما در قزوین ریاست

شرکت فرش را به عهده داشت، سه سال آنجا بودیم. خواهر بزرگترم و

من در آن شهر به دنیا آمدم.

● **مادرم کارهای گلدوزی و خیاطی می کرد.** چهار خواهرم همین طور،

برادرم عکاسی می کرد. بعد هم فیلمبرداری و کارگردانی فیلم کرد. به

هر حال بیشتر به خاطر کارهای برادرم به این سمت کشیده شدم.

● **۱۴ سالم بود که به استودیوی ایرانا فیلم رفتم و کارهای تمیز کاری و**

دستبازی تدوین و صدا کردم. اما رفته رفته احساس کردم علاقه ای به

کارهای پشت دوربین ندارم، اما به قول معروف، مثل کارگر مکانیکی که

روز اول لباس روغنی می شود، ما هم لباسمان روغنی شد.

● **ساکن تهران بودیم، منطقه عباس آباد، من ۵ سالم بود که جنگ دوم**

جهانی شروع شد. شهرویر ۱۳۲۰ وضعیت معیشت مردم خیلی بد بود.

نان هم گیر نمی آمد. به همین خاطر پدر ما را به کاشان فرستاد.

● **آن جا مرا گذاشتند مدرسه اتحاد. آقای حائری مدیر مدرسه بود.** ابتدا

در کلاس تهیه (آمدگی) درس می خواندم اما بعد از سه ماه ایشان مرا به

کلاس اول فرستاد. اواخر ۵ سالگی بود. در واقع ۶ سالگی کلاس اول بود.

یک سال زودتر. بعد از جنگ هم در

ای بشر تا کی چنین خونخواره ای

گرگ و کفتارم چو تو درنده نیست

عقرب و مار هم چو تو اندر جهان

از جنایت های تو این خاک و آب

کشتن و سوزاندن و گردن خراب

بودنت گوئی به گیتی نایبجاست

## از چه می خواهی تورنج این و آن؟! از دکتر رضاییان

بهر این خونخواری کن چاره ای

اشرف مخلوق بر تو بزینده نیست

نیست بر همجنس خود دشمن ز جان

هر زمان ویران شود گردد خراب

دائما تکرار در این خاک و آب

زین جهت اعمال تو بس نارواست

این همه ناپخودی آخر چرا؟! از گذشته عاقبت درسی بگیری!

با خردمندی کمی هم پیشه کن

گر چه زرد و یا سپید و یا سیاست

کی تجاؤ ز بر دگر سهمی رواست؟ از چه می خواهی تورنج این و آن؟

این همه جنگ و جدل از بهر چیست؟ این همه جنگ و جدل از بهر چیست؟

تا ندانم مقصدی اندر رهیم

پس چرا باید دلی خویند کنیم؟

ای خوشا آن کس که در این راه سخت

خود بگیرد دست یک وارونه بخت

ای بشر فرصت برای تو کم است

همتی باید که عمرت یک دم است

**دکتر حسین اشراقی**  
**استاد دانشگاه تهران و دانشگاه UCLA**  
**دارای بورده تخصصی از آمریکا**  
**تشخیصی و درمان :**  
 پولیپ و سرطان روده بزرگ ، زخم معده و اثنی عشر  
 دردهای شکم ، بواسیر ، بیماریهای کبد و کیسه صفرا  
 اندوسکوپی معده و روده  
 ۷۰۷۰-۵۰۰ (۸۱۸)

**SOUTH BAYLO UNIVERSITY**  
**طب سوزنی**  
 و گیاه درمانی  
**تا دریافت عالیترین مدارج دکتری و تخصص**  
**برای ترم زمستانی ثبت نام می کند**  
 بزشان ایرانی که مایل به گذراندن امتحان های U.S.M.L.E نیستند  
 پس از حدود ۲ سال تحصیل در این دانشگاه می توانند به طبابت بپردازند.  
 ورود به این دانشگاه شرط سنی ندارد. کلاس ها ۶ عصر شروع می شود و  
 شما می توانید از وام و کمک هزینه دانشجویی نیز استفاده کنید.  
**اشخاصی که دارای ۶۰ واحد تحصیلی کالج یا**  
**دانشگاه هستند در این دانشگاه پذیرفته می شوند**  
 مامیتوانیم برای عزیزان شماویرای تحصیلی صادرکنیم  
**آگاهی بیشتر را لطفا بهزاد رزاقی بپرسید**  
 ۲۹۴۸-۵۵۹ (۲۲۳) ۶۵۳۰-۳۸۹ (۲۱۳)  
 جهت استفاده از خدمات کلینیک این دانشگاه با دکتر علی نعمت بخش تماس بگیرید  
 ۱۹۷۴-۲۳۵ (۲۱۳) آدرس: ۲۷۲۷ خیابان ششم تقاطع لافایت در لس آنجلس  
 رایجیل بهزاد رزاقی  
 raza@southbaylo.edu

**شعر معاصر**  
**عزیز تر سه**  
**همین روزها**  
 دوباره  
 همین روزها  
 پنجره می لرزد  
 گل دان برگ هایش،  
 زرد می شود  
 ریشه های آسمان  
 خشک می شود  
 رنگ از رخسار روز می برد  
 و کابوس  
 پرندگان را  
 در آشیان می گُشد  
 همین روزها  
 وقتی پنجره  
 به عکسی از قابش  
 نگاه کند  
 گل دان با برگهایش زرد  
 مپرسنو اصغری  
 سفر  
 چندان  
 واژه ی نیم سوخته ی خدا حافظ  
 تو و کفش هایت  
 به بن بست می رسید  
 در امتداد همین ریل  
 جا می گذاری  
 دستمال آبی  
 و تانبه های شگسته،  
 از سال های درخت آبلالو  
 تا ترانه های گمشده ی خیس  
 امروز  
 می چسبانی، درون کوبه  
 دماغت را  
 به شیشه ی مات پنجره  
 چشم هایت هنوز...  
 قطار نقطه می شود  
 آخر سطر  
 دستمال بدهید...  
 می خواهم برای خودم  
 دست تکان بدهم

**818-788-7849**  
**یار نیمه شبی!**  
**-- پرورسی سوانق مبارزان!**  
 ● سازمان های سیاسی و مبارز (با  
 تمامی این که اثر وجودی چندان  
 ندارند) ولی در سوابق اعضای خود  
 یک بررسی دیگری بفرمایند،  
 ممکن است بعضی از اعضایشان  
 ساخت و پاختی با رژیم کرده  
 باشند.  
 ++ این "مبارزان" به قدری از حال و  
 روز هم خبر دارند که از این جور وصله  
 ها به آنها نمی چسبد مگر اباید تازه  
 رژیم در میان آنها نفوذ کرده باشند!  
**آیه های شیطان!**  
 ● شما هم ول کنید، بروید پی  
 کارتان، مبارزه بی مبارزه.  
 ++ **چه کنیم که دلمان برای دری وری های شما تنگ می شود؟**  
**جلسات پر دوسر!**  
 ● شاهزاده رضا پهلوی ماهی یک  
 بار هم که شده، به یک شهر بروند و  
 با ایرانیان دیدار کنند.  
 ++ یعنی برنامه کله و گله گذاری و  
 شکایت از همدیگر و چغلی کردن ...!  
**استدعا از امام زمان!**  
 ● از این امام زمان شیعیان  
 استدعا کنید به جای ظهور  
 خودشان در ایران، چند میلیون  
 ایرانی را به کشورشان برگرداند.  
 ++ **همه این چند میلیون باید درخواست خود جداگانه بنویسند و آن را در چاه جمکران بیاندازند تا رسیدگی شود!**  
**آخوندها را سوار کنید!**  
 ● این ارتشی ها چرا پیش دستی  
 نمی کنند و آخوندها را سوار  
 هواپیماهای آنچنانی نمایند؟  
 ++ **همه اشان هواپیمای اختصاصی دارند و معمولا هم از این ناپرهیزی ها نمی کنند!**

هنرمند شادی ساز و استفاده کنید. این چیزهاست که من را می رنجاند.

می گویند آدم حاضر جوابی هستم و این فقط به خاطر مطالعه است. یک استعداد خدادادی است که با مطالعه آن را پروراند و پرورشش دادم. مثل آدمی است که سه تا لیسانس دارد اما وقتی حرف می زند تویش می ماند چون جزئیات درسی اش هیچ چیزی نخوانده. وقتی آدم مطالعه داشته باشد، هنوز صحبت طرف مقابلش تمام نشده ۳۰ تا جواب آماده دارد که به او بگوید. من هم همین طور هستم. چون اطلاعات عمومی ام زیاد است و شبانه روز کتاب خواندم و ذوق هم داشتم.

● راجع به دو سال و نیم در زندان باید بگویم که ضامنت مالی کسی را کردم که ناتوان در آمد، آدم دیگری برای رفع مشکل آمد که کلاهبرداری کرد. در نتیجه من ضامن اصلی بودم به زندان رفتم. نکته عجیب این بود که جوان های زیادی که اغلب تحصیلات عالی دارند در اثر اتفاقات مشابهی در زندان هستند این مدت هم بیکار نماندم. گروهی را در زندان تشکیل دادم و برای بقیه زندانی ها برنامه اجرا می کردم. وقت آزادی ام، از زندانی گرفته تا مسئولین زندان همه گریه می کردند.

● الان پسرم در ۴ مجموعه بازی می کند، شب و روز کار می کند. دیگران هم مشغول کارهای خودشان هستند ولی هنوز راجع به کارهایم صحبت می کنند و نظر می دهند. برنامه ها را نگاه می کنند و لذت می برند. برایشان تمام شده نیست. خوشبختانه کار ما تمامی ندارد. اطرافیان ما هم با روحیات من

زندگی کرده اند. همه همدیگر را می شناسیم، حتی دخترم که استاد دانشگاه است، همچنان به هنر علاقمند است. فیلم می بیند، بحث می کند. آثاری را برایم ترجمه می کند و پسرم هنرپیشه موفق سینماست و می خواهد برای خودش یک نام باشد به اسم ایرج نودری، نه پسر منوچهر نودری. خوب هر آدمی باید مستقل دیده شود. اولاً وقتی کارش را شروع کرد که من در زندان بودم. هیچ وقت او را به کسی معرفی نکردم. در تاتر با من کار کرد. کیومرث پور احمد در یک اپیزود از مجموعه "سرخ" به او نقش داد. بعد هم در مجموعه پدر خاک بازی کرد و... در یک نشریه نوشتند ایرج نودری فرزند منوچهر نودری است و... تلفن کردم گفتم این کار درست نیست او برای خودش کسی شده، لازم نیست به دیگری وصل باشد. او خودش را خوب نشان داده، نمی خواهم زیر اسم من باشد. هم خودش و هم من از این موضوع ناراحت هستیم. خوشبختانه موفق هم بوده، بازی بلد است، چهره و صدای مناسبی هم دارد.

● من با این سن و سال هر روز از صبح تا شب کار می کنم. البته اگر بیمار باشم اگر این فقط علاقه نبوده، الان از بین رفته بود. حتی حاضر نبودم به خاطر تقویح از کار غافل شوم، علاقه به کار پیشرفت به دنبال دارد. دوست دندانبزشکی دارم. شما اگر هنگام کار فقط به صورتش نگاه کنید، گمان می کنید مینیاتور نقاشی می کند. آن قدر با عشق کار می کند که حیران می مانید. یک نجار خوب، آهنگر خوب... حتما در کار خود علاقه به خرج داده اند. علاقه وقتی باشد ۶ صبح که هیچ ۵ صبح بیدار می شوید و تا دیروقت کار می کنید. بخصوص که

مردم احترام می گذارند، علاقه دارند و ملاحظه می کنند. ● وقتی که کار نمی کنم اغلب فیلم می بینم، کتاب می خوانم و مطلب می نویسم. چون کم خواب هستم، وقت زیاد دارم، ۴ صبح می خوابم و ۷ صبح بیدار می شوم. عاشق دیدن فیلم هستم و آخرین فیلمی که دیدم دار و دسته نیویورکی بود. البته همه جور فیلمی می بینم، فیلم "گاندی" را اخیراً دوبار دیده ام، می دانید بینوایان راه بار دیده ام؟ نسخه قدیمی آن که خودم جای "تارادیه" حرف زدم را بیش از ۶۰ بار دیده ام. کتابش را هم همین قدر خوانده ام. هر بار چیز تازه ای پیدا می کنم. با یک بار اثری مانند آن نمی توانید همه آن چه نویسنده در نظر داشته به دست بیاورید.

● برای ورود یک شخصیت تازه ۳۰ صفحه راجع به طبقه اجتماعی و رفتار شناسی آن افراد متن می نویسند و تازه شخصیت را معرفی می کند. سکوت بره ها هم خیلی زیباست. اصلاً همه نوع فیلمی می بینم و آثار خوب را می پسندم. ● اخیراً برای دومین بار این "چنین کنند بزرگان" نجف دریا بندی را خواندم. بیشتر کتاب شعری خوانم با مولانا و حافظ و سعدی انس دارم. البته شعر زیاد حفظ می کنم داستان های واقعی از وقایع جهانی و جنگ های بزرگ.

● کار مطبوعاتی نیز کرده ام. در مجلات تخصصی مطلب می نوشتم.

اصلاً دائم در انجمن ها و نشست ها شرکت می کردم، دردرس را دوست داشتم. ● خاطره ای از دوران کودکی این که تصادفی کردم که ۱۱ روز یهوش بودم همه از زنده ماندنم ناامید شده بودند اما خدا خواست زنده ماندم. ● احساس می کنم که پیر شده ام ولی از مرگ نمی ترسم. چیزی ترسناکی نیست. شبی ۶.۵ ساعت تمرین مرگ می کنیم. چرا بترسیم؟ آدم یک بار به دنیا می آید و یک بار هم می میرد. پیری عالم بی نظیری است. همه چیزش خوب است. در این عالم هیچ چیزی ظاهری نیست و خودت را نمی توانی گول بزنی.

● آرزویم در این سن و سال این است که یک بار دیگر راه شب و صبح جمعه را اجرا کنم. چون من با این برنامه ها بزرگ شدم. ● در این ۶۹ سال عمر لذت بخش ترین اتفاق در زندگی تولد پسرم بود. ● من بچه هایم را دوست دارم و خیلی زحمت برای شان کشیدم. امروز که نوه اش را می بینم لذت می برم. ● من ده سالم بود که در مدرسه موضوعی را به ما گفتند انشاء بنویسیم با عنوان این که آرزوی شما چیست؟ من هم نوشتم آرزو دارم یک پسر داشته باشم. خدا هم به حرفم گوش داد و اولین فرزندم را پسر داد. شما نمی دانید موقعی که او به دنیا آمد من چه حالی داشتم، پرستار وقتی مژده داد، هر چه پول داشتم به او دادم.

پیام همدردی شهیدانو فرح پهلوی به مناسبت سانحه هوایی در تهران

از خبر تأسف بار و دلخراش سانحه هوایی در تهران که منجر به مرگ بیش از یک صد نفر و مجروح شدن تعدادی از هموطنان عزیز گردید بی نهایت متأثر و متالم شدم، به بازماندگان این حادثه غم انگیز از صمیم قلب تسلیت گفته و از درگاه پروردگار بزرگ برای هم میهنانی که داده اند، صبر و بردباری آرزو می کنم.

فرح پهلوی

email:info@ascreemrooz.com www.ascreemrooz.com

پیام همدردی شاهزاده رضا پهلوی با بازماندگان قربانیان سانحه هوایی بی مسئولیتی کارگزاران رژیم باردیگر، با ایجاد سانحه ای جانگداز، جامعه ما را عزادار و سوگوار ساخته است. رژیمی که چند سال پیش در توطئه سقوط اتویوس حامل نویسندگان ایران، ناکام مانده بود، اینک با وجود همدارهای کادر فنی، موجب مرگ بیش از صد خبرنگار، عکاس، روزنامه نگار و کادر فنی هواپیما شده است. ضمن همدردی عمیق با خانواده های قربانیان این سانحه جانگداز، مراتب تسلیت خود را به جامعه مطبوعاتی و پرسنل هوایی ایران ابراز می دارم. خداوند نگهدار ایران باد رضا پهلوی

دیشی و رسیور ماهواره



مخصوص تلویزیونهای ۲۴ ساعته ایرانی فقط ۱۶۰ دلار (۸۳۲-۰۸۲۸-۲۸۸)

موسسه مالیاتی و حسابداری بیژن کهن زاد

تهیه و تنظیم اظهارنامه مالیاتی اشخاص، شرکت ها و مشاغل انجام کلیه امور دفتر داری و حسابداری انواع مشاغل تشکیل و انحلال شرکت ها متخصص در امور Audit توسط دولت تهیه اوراق مالیاتی عقب افتاده اشخاص و شرکت ها برنامه ریزی در امور بازنشستگی Retirement Planning 12100 Wilshire Blvd Suite 702, LA, Ca 90025 Tel: (۳۱۰) ۸۲۰-۱۰۸۰ email: bkhozanad@aol.com | www.bkhozanad.com

بازگشت همه بسوی خداست

با کمال تأسف و تأثر در گذشت مادر عزیزمان شادروان حاجیه خانم فاطمه افروخته را به اطلاع دوستان و آشنایان می رسانیم. مراسم تر حیم و یادبود آن زنده یاد روز شنبه از ساعت ۴ تا ۶ بعد از ظهر در بنیاد ایمان برپا خواهد بود اشرف- فریده- حسین- فرخنده- حسن- زهرا افروخته و خانواده های بایرامی- مظلومی- راحلان- کاردن- پترسون- رهیم- عزیز خانیان و خانواده های وابسته

پرده مولن روز زیباترین پرده ها با ارزاترین قیمت دوخت و نصب پرده، روتختی، کوسن و تعمیر انواع لباس 818-633-4383

CONCERTO PRODUCTIONS presents The Best Persian Concerts of the Decade THE VENETIAN Resort-Hotel-Casino LAS VEGAS 2005 LIVE DECEMBER 23, 24, 25 2005 THE VENETIAN HOTEL Las Vegas, Nevada For Ticket and Hotel Booking Call: 818-240-7469 Website: www.lasvegas2005live.com

حرف های روز

کناره گیری این دو چهره که رادیو و چفت و بست برنامه را جفت و جور می کردند، خود یک مشکل اساسی بود.

در این جیب و بیض نیز مرحوم علی تابش زیر بار اجرای این برنامه نعلی رفت و می گفت: من می خواهم رل بازی کنم! حمید قنبری هم کارگردانی برنامه را داشت و بالاخره قرعه فال به نام منوچهر نوذری افتاد که تا آن زمان یکی دورل کوچک در برنامه صبح جمعه داشت و چندی با خانم ثریا قاسمی (دختر خانم نادره که خود هنرپیشه رادیو هم بود) برنامه اجرا کرد و سپس "گوگوش" را برای همکاری با او آماده کردیم که اصلا و ابدا در حال و هوای گویندگی رادیو و بخصوص اجرای برنامه مشکل شما و رادیو نبود، آن هم در جوار منوچهر نوذری که با این برنامه همه آن چه ذوق و استعداد در وجودش تلنبار کرده بود، با یک اجرای زنده و کمک همه ما و طنز نویسان از خود بروز داد.

متن برنامه را این بنده به عنوان سردبیر با نوشته های طنز آمیز دوستان به هم گره می زد و منتیهای برای اجرای هنرمندان رادیو، برنامه ابتکارهای تازه و فراخور استعداد هنرپیشه ها، متن های انتقادی از مسایل روز، شیرین زبانی های هادی - که حالا اوج آن را در "خرسند آب کمدی او می شنوید - و قطعات طنز و اشعار ضری که یادش به خیر مرتضی احمدی با هنرمندی اجرا می کرد.

در بین برنامه حضور خوانندگان و مهمانان بود و همچنین وصل کردن آنها به متن اصلی برنامه (آن هم در حضور تماشاچیان که اغلب از دختران مدارس تهران بودند) و بعد از ظهر هر سه شنبه در استودیوی بزرگ رادیو در میدان آرک اجرا و ضبط می شد. تا مدت ها این بنده میان منوچهر نوذری و گوگوش و یا در کنار آن ها در توت استودیو می نشست که یادداشت هایی مناسب حال و هوای برنامه برای پیوند مصاحبه ها و گفتگوهای و متن اجرا شده، در اختیارشان بگذارم که این خود باعث

خیلی حرف و حدیث هایی شده بود و بیچ بیچ هایی که صد البته بیهوده بود که تأثیری هم در روال برنامه نداشت و آن چه بود، در پهبود و کارایی برنامه بود و ابتکارات آن. **سماجت در آوردن خواننده های که در خارج از رادیو به شهرت فراوانی رسیده بودند ولی اداره موسیقی رادیو، در موردشان سخت گیری و لجاجتی می کرد. مانند: عارف، دارویش، ستار، مارتیک، شاهرخ، ابی، نلی، گیتی، ... در واقع همه کسانی که در تلویزیون و برنامه میخک تهره ای زنده یاد فریدون فرخزاد معروف شده و نوار و صفحه هایشان خریدار داشته، حتی خود فریدون فرخزاد.**

سپس دعوت از خواننده های کوچک و بازار و کافه ها بود که مثل بمب در رادیو صدا کرد و داد و هوار راه انداخت. آوردن **سوسن، شهر، پروش و آغاسی** و سایر خواننده هایی که هرگز به فکرشان خطور نمی کرد که روزی صدایشان از رادیو بپخش شود (حتی از شهرستان ها) این خود به قدری موجب شهرت و معروفیت این برنامه (گران شدن آگهی های آن) شد که پیشنهاد رادیو ۴۸ ساعته! موسوم به **رادیو تعطیلی** بلافاصله پذیرفته شد. یعنی علاوه بر ضبط روز سه شنبه من و شاهرخ نادری و منوچهر نوذری (گاه گوگوش) به استودیو، پخش مستقیم در ساختمان جام جم می رفتیم و برنامه رادیو تعطیلی را از ساعت ۶ صبح روز پنجشنبه تا ۱۲ شب روز بعد (جمعه شب) ادامه می دادیم.

در این دوره **خانم مولود دهناب** با صدای خوشی - که آن زمان با چند ترانه مشهور شده بود - به سلک گوینده ها و مجریان برنامه رادیو تعطیلی پیوست و همچنین بار دیگر از **تقی روحانی** دعوت شد که با صدای گیرا و آشنای خود خبرها را به گوش انبوه دوستدارانش برساند و همه این ها خود از جاذبه های پنهان و آشکار و شبنمینی این برنامه بود که بایستی گفت که **بیشتر روی کامل منوچهر نوذری** می چرخید و گفتیم سکوی پرتاب او به رشته های دیگری از کارهای هنری بود: از جمله تهیه و کارگردانی فیلم و حضور در صحنه تئاتر.

گفتنی است که متن برنامه صبح جمعه، روز یکشنبه با حضور همه دوستان طنز نویس در دفتر مجله فردوسی تهیه و توسط این بنده تنظیم و راست و ریست می شد و به اداره رادیو می فرستادیم.

**صبح سه شنبه هنرمندان رادیو علی تابش، زردی، صامی، احمدی، خانم تاجی احمدی، نوذری، فدکچیان، امیر فضلی، آذری، خانم مهین بزرگی، خانم نادره و دبگران، زیر نظر حمید قنبری و نظارت زنده یاد بدیع زاده هنرمند، خواننده و مدیر با تجربه رادیو، تمرین می کردند (که خود این تمرین حکایت ها دارد و شاید از برنامه اصلی نیز شادتر، جالب تر و پر خنده تر بود)**

ظهر سه شنبه اغلب همگی به چلوکبابی نایب در بازار می رفتیم که فی البداهه در آنجا مزه پرانی فراوان بود با مشتریان و خود نایب و شاگردانش و کسی که کباب و کره تقسیم می کرد. در واقع از صبح سه شنبه آمادگی برای ضبط برنامه صبح جمعه ( و رادیو تعطیلی) بود که از ۷ گاهی تا ۷ بعد از ظهر تهیه و ضبط این برنامه طول می کشید و اغلب با کمک و همراهی دختران مدارس تهران و گاه خواندن دسته جمعی آنا بان با خوانندگان میهمان با وسواسی و دلسوزی و ذوق سرشار شاهرخ نادری... و گفتیم نظارت نازنینی مثل حضرت جواد بدیع زاده.

در تمام آن چه نوشته شد، کم نیست روزها، ساعت ها و هفته هایی که با یاد همه آن عزیزان و بخصوص منوچهر نوذری آمیخته و آن همه شور و حال و از خود گذشتگی و سنگ تمام گذاشتن یک یک آنها و بخصوص هنرمندی مثل علی تابش (که در عالم هنر با همه ی معرفیتی که داشت) هنوز ریزه کاری و شگردهای هنری و وجود خود او، ناشناخته مانده است.

بسته کاغذ نشانم داد و گفت: همه این ها را علیه تو و دوستان نوشته اند... که چقدر پول گرفته ای! با کدام خواننده ها هستی! برای رل بپخش دادن چقدر پارتنی بازی و خاصه خرجی می کنی! هنرمندان جوان چقدر باید پیر زانند تا صدایشان بپخش شود!...!

"آزمون" بعد همه کاغذهای ضاله را در یک دستگاه کاغذبری گذاشت و به صورت رشته نوارهایی توی سطل زباله ریخت..

**پرسیدم: خوب نظر شما چیه؟**  
**شانه ام را فرشود و با خنده گفت: تو به بالا بالا ها نظر داری و برای همین که جوی جیب هایت را گرفته ای و زیپ شلوارت را هم بسته ای؟**

راستی راستی که این دوسه سال اخیر خیلی سخت گذشت، بابت مرگ عزیزان که یکی دو سال پیش، از مرگ **اخوان ثالث و نصرت رحمانی و احمد شاملو و فریدون و مشیری و بعد دیگرانی چون ویگن و سوسن و آغاسی و حالا منوچهر نوذری...** کسانی که با وجودشان، با حضورشان در روزها و سال های عمرمان، ما را و زندگیمان را سرشار از خاطره های خوش و دلنشین کرده و وجودشان با روح و جان ما عجیب شده است.

یک بار دیگر شعر "نصرت" را زمزمه کنیم:  
رفتی برو، برو به سلامت سفر تو را / اما بگو، بگو که چه ما را در میان گذاشت.

روزها، ساعت ها و هفته هایی که با یاد همه آن عزیزان و بخصوص منوچهر نوذری آمیخته و آن همه شور و حال و از خود گذشتگی و سنگ تمام گذاشتن یک یک آنها و بخصوص هنرمندی مثل علی تابش (که در عالم هنر با همه ی معرفیتی که داشت) هنوز ریزه کاری و شگردهای هنری و وجود خود او، ناشناخته مانده است.

منوچهر آزمون معاون وزارت اطلاعات و سرپرست رادیو امکان می یافتیم که آن همه دلبری کنیم، به آب و آتش بزنیم.

روزی "دکتر آزمون" مرا به اتاقش خواند و خوش و بش فراوان کرد و بعد یک

حالت این چه حکومتی است که ارزش پول کشور را تا حد خفت آوری پائین آورده، مملکت را با یک

داریم، ولی می خواهیم نظامی بر ملت و مملکت حکومت کند که مردم را به خاطر فساد و فحشا و اعمال تروریستی به صورت شرم آوری پائین آورده و همچنان نیز آن را برای سقوط بیشتر به طرف سرازیری سوق می دهد.

آیا این نگرانی ها دلیل بر حیران بودن نیست؟ به راستی دیگر باید چه گفت و چگونه نوشت که مردم حق زندگی کردن دارند نه بردگی...

اقتصاد ورشکسته و بیمار تا خرخره بدهکار ساخته، شرافت اخلاقی مردم را به خاطر فساد و فحشا و اعمال تروریستی به صورت شرم آوری پائین آورده و همچنان نیز آن را برای سقوط بیشتر به طرف سرازیری سوق می دهد.

آیا این نگرانی ها دلیل بر حیران بودن نیست؟ به راستی دیگر باید چه گفت و چگونه نوشت که مردم حق زندگی کردن دارند نه بردگی...

دوست خائن؟!؟

به راستی فردوست و باند او چه کردند؟

خیلی ساده بگویم. آنها بین شاه و مردم دیواری به قطر و عظمت یک تاریخ کشیدند. شاه و مردمی - که باید با هم کشور را می ساختند- آن قدر از همدیگر دور ماندند که به کلی از حال و روز همه بی خبر ماندند. در جنوب تهران، حلبی آباد بود و حکومت به دولت های اروپایی وام بدون بهره می داد، اما باور نمی کرد که شاه چنین جاه طلبی هایی را تنها برای خودش خواسته باشد چرا که هم او بود که گفته بود "سلطنت بر مردمی فقیر اختیاری نیست... پس شاه می خواست مردم ایران، در جهان آقایی کنند و مردمش لاف بپوشی از آنها به زندگی عادی قانع بودند حال آن که فاقد ابزار آن بودند...

.. و این وظیفه "حسین" بود که بین مردم و شاه فاصله بیندازد. میزان و معیارها را به گونه ای دیگر در ذهن شاه جلوه دهد. و بالعکس شاه را در نظر مردم (نه آنگونه که بود) بلکه آن گونه که اربابان "حسین" می خواستند، وانمود سازد.

بی شک امروز، هر اهل سیاستی به درستی می داند که "حسین" بدون ماموریت نبود. او ماموری کاشته شده در کنار محمد رضا بود که وظیفه اش را نه طی یک ماه و یک سال، بلکه باید

اقتصاد ورشکسته و بیمار تا خرخره بدهکار ساخته، شرافت اخلاقی مردم را به خاطر فساد و فحشا و اعمال تروریستی به صورت شرم آوری پائین آورده و همچنان نیز آن را برای سقوط بیشتر به طرف سرازیری سوق می دهد.

آیا این نگرانی ها دلیل بر حیران بودن نیست؟ به راستی دیگر باید چه گفت و چگونه نوشت که مردم حق زندگی کردن دارند نه بردگی...

اقتصاد ورشکسته و بیمار تا خرخره بدهکار ساخته، شرافت اخلاقی مردم را به خاطر فساد و فحشا و اعمال تروریستی به صورت شرم آوری پائین آورده و همچنان نیز آن را برای سقوط بیشتر به طرف سرازیری سوق می دهد.

آیا این نگرانی ها دلیل بر حیران بودن نیست؟ به راستی دیگر باید چه گفت و چگونه نوشت که مردم حق زندگی کردن دارند نه بردگی...

اقتصاد ورشکسته و بیمار تا خرخره بدهکار ساخته، شرافت اخلاقی مردم را به خاطر فساد و فحشا و اعمال تروریستی به صورت شرم آوری پائین آورده و همچنان نیز آن را برای سقوط بیشتر به طرف سرازیری سوق می دهد.

آیا این نگرانی ها دلیل بر حیران بودن نیست؟ به راستی دیگر باید چه گفت و چگونه نوشت که مردم حق زندگی کردن دارند نه بردگی...

اقتصاد ورشکسته و بیمار تا خرخره بدهکار ساخته، شرافت اخلاقی مردم را به خاطر فساد و فحشا و اعمال تروریستی به صورت شرم آوری پائین آورده و همچنان نیز آن را برای سقوط بیشتر به طرف سرازیری سوق می دهد.

آیا این نگرانی ها دلیل بر حیران بودن نیست؟ به راستی دیگر باید چه گفت و چگونه نوشت که مردم حق زندگی کردن دارند نه بردگی...

اقتصاد ورشکسته و بیمار تا خرخره بدهکار ساخته، شرافت اخلاقی مردم را به خاطر فساد و فحشا و اعمال تروریستی به صورت شرم آوری پائین آورده و همچنان نیز آن را برای سقوط بیشتر به طرف سرازیری سوق می دهد.

طی سال ها به انجام رساند. و در زمان موعود، در سال ۵۷، آخرین تیر خلاص را شلیک کرد.

تصور کنید در آن روزهای بحرانی، ستاد عملیاتی انقلابیون (دشمنان نظام پادشاهی) فقط کافی بود که از روحیات شاه مطلع باشند (که حتما بودند) و بدانند که او به دلیل بیماری قادر به اتخاذ تصمیم های قاطع نیست...

آیا با چنین اطلاعاتی دیگر به تیر و توپ و تفنگ احتیاجی هست؟ اما چرا؟ چرا هنوز باور نمی کنیم که ما چرا به "حسین فردوست" ختم نمی شود و هنوز هم "فردوست" های دیگری از جنس و قماش دیگری و تافته های جدا بافته ای، در گوشه و کنار فعال هستند. آیا نمی توان تصور کرد (نمی گویم باور کرد) که یکی از همین دوستان عزیز و رفیق گرمابه و گلستان می توانند "حسین فردوست" باشند؟ اگر چنین نیست چرا این سخن شاهزاده رضا پهلوی را کسی نمی شنود که می گوید:

" من خصوصا ۱ زلفداران مشروطه پادشاهی مشروطه می خواهم که از همین امروز کلیه اختلافات خود را کنار بگذارند. البته وجود عقاید و نظرات گوناگون باید باشد اما در رابطه با مسائل مبارزاتی مرا به عنوان یک فرد آزادیخواه بمانند تا همگی بتوانیم در لوی این شعار ایران را آزاد کنیم.

البته بعد از آزادی ایران اگر مردم به پای صندوق های رای رفتند و به بازگشت نظام پادشاهی رای دادند من نیز به رای اکثریت احترام می گذارم ولی حالا زمان جمهوری یا پادشاهی و غیره نیست. زمان، زمان آزادیخواهی است. با هم متحد شویم تا بتوانیم به یاری مردم ایران بشتابیم."

راستی چرا چنین پیامی اصولی، انسانی و موقعیت شناسانه در میان ایرانیان و به خصوص طرفداران نظام پادشاهی جا نمی افتد؟

باز هم این مقاله را از اول مرور کنید.

اقتصاد ورشکسته و بیمار تا خرخره بدهکار ساخته، شرافت اخلاقی مردم را به خاطر فساد و فحشا و اعمال تروریستی به صورت شرم آوری پائین آورده و همچنان نیز آن را برای سقوط بیشتر به طرف سرازیری سوق می دهد.

آیا این نگرانی ها دلیل بر حیران بودن نیست؟ به راستی دیگر باید چه گفت و چگونه نوشت که مردم حق زندگی کردن دارند نه بردگی...

اقتصاد ورشکسته و بیمار تا خرخره بدهکار ساخته، شرافت اخلاقی مردم را به خاطر فساد و فحشا و اعمال تروریستی به صورت شرم آوری پائین آورده و همچنان نیز آن را برای سقوط بیشتر به طرف سرازیری سوق می دهد.

آیا این نگرانی ها دلیل بر حیران بودن نیست؟ به راستی دیگر باید چه گفت و چگونه نوشت که مردم حق زندگی کردن دارند نه بردگی...

اقتصاد ورشکسته و بیمار تا خرخره بدهکار ساخته، شرافت اخلاقی مردم را به خاطر فساد و فحشا و اعمال تروریستی به صورت شرم آوری پائین آورده و همچنان نیز آن را برای سقوط بیشتر به طرف سرازیری سوق می دهد.

آیا این نگرانی ها دلیل بر حیران بودن نیست؟ به راستی دیگر باید چه گفت و چگونه نوشت که مردم حق زندگی کردن دارند نه بردگی...

انتخاب صدف، انتخاب بهترین هاست و افتخار ما، اعتماد ۲۲ ساله شما به محصولات صدف بعنوان بهترین هاست

انتخاب صدف، انتخاب بهترین هاست و افتخار ما، اعتماد ۲۲ ساله شما به محصولات صدف بعنوان بهترین هاست

**EXPERT AUTO BODY CENTER**

**بعد از تصادف نگران نباشید!**

متخصصین برجسته ما اتومبیل شما را مثل روز اول تحویلتن خواهند داد

**مزایای استثنایی مراجع به اتوبادی سنتر**

در صورت داشتن بیمه کامل اتومبیل رایگان در اختیارتان میگذاریم ، اتومبیل شما مجاناً از محل تصادف به تعمیرگاه انتقال می‌یابد ، تخفیف مخصوص برای هموطنان عزیز

کارگاههای ما به اطاق رنگ با امکانات ویژه فنی و دستگاههای کامپیوتری برای شاسی کشی مجهز است

**EXPERT AUTO BODY CENTRE**  
Tel: (818) 786 - 8400  
Fax: (818) 786 - 5218  
14326 Oxnard St. Van Nuys CA91401

**مرکز خدمات گالکسی**

امور مهاجرت ، اقامت ، سیتیزن شپ و پاسپورت سفید  
گذرنامه و شناسنامه ایرانی، وکالتنامه و وصیتنامه  
حقوقاتنا، تصدیق امضا و شهادتنامه  
ترجمه رسمی و تأیید اسناد و مدارک

فکس: ۵۹۵۴-۷۸۴ (۸۱۸) تلفن: ۰۰۹۹-۹۰۶-۹۰۶ (۸۱۸)  
15928 Ventura Blvd, # 201-Encino, CA91436

**Q Market**

انواع غذاهای ایرانی خانگی، گوشت، مرغ و جوداست

عرضه کننده تازه ترین موادغذائی و خوراکی، گوشت، مرغ و ماهی با قیمت های باورنکردنی و غیر قابل رقابت

**کیومارکت "درزیرک سقف"**

هر آنچه نیاز دارید گرد آورده است

17261 Vanowen St. انواع غذاهای آماده طبخ موجود است  
(818)345-4251 فوداستمپ و کردیت کارت پذیرفته میشود

**شعبات شیرینی سرا درسی آنجلس**

سنتا مونیکا بلوار	انسنینو	رساندا
(310)207-7120 12231 Santa Monica Blvd	(818) 757-1248 18000 Ventura Blvd	(818)996-5104 6900 Reseda Blvd

سفرشات شمارا برای تهیه انواع شیرینیجات جهت جشنها، عروسی ها و ... میپذیرد.

بین دو نفر - زشت و بدنام - روزگاری هر داورق شطرنج جهان بود - دلگتگی و لغزدگی - صداقت و امانتداری - راه آهن نیز زمینی ۹ - نامناسب - روز گذشته - بیسوند نگاه دلنده ۱۰ - جام جهان نما - قد و بالا - خانه کرم ابریشم ۱۱ - قنار پوست و گونست یا دو سر انگشت دست - ظرفی برای جابجایی ظروف دیگر - انتها ۱۲ - دختر خانم انگلیسی - حرف آخر - قاره و گرده - شهر روشنائی ۱۳ - سرگرد سابق شهر باقی - درس نقشه کشی - از امتیازات ورزش های بزمی ۱۴ - برج من - ستاره قطبی - از عشاق درون کتاب ۱۵ - داستان عشق این دو دلداده را آخر ببیند و جامی به نظم کشیده اند - مربع ورزش خشن

**نقشه:**

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱														
۲														
۳														
۴														
۵														
۶														
۷														
۸														
۹														
۱۰														
۱۱														
۱۲														
۱۳														
۱۴														
۱۵														

**نقشه:**

۱- شاعر و نویسنده ایرانی قرن نهم صاحب کتاب بزرگ "هفت اورنگ" ۲- خیرگزاری جمهوری اسلامی ایران، قول و سخن همان قلابی است ۳- آدم زورخیز! ۴- از انواع نان - دولی و اندیشه شیطان ۵- کشوری باستانی از مایعات هستی بخش - نان کاغذی - زمین بر آب و علف از نینرور و خوشگنوران - الوان - ضمیر داخل ۶- هم به دست مستم هم به دست بافوران - سر گیسو ۷- ماه یازدهم شبی - آغشته به آب - از واحدهای نظامی - شناسنامه ۸- پیشوا - از انواع نلگراف - نمایشنامه خنده دار ۹- مایعات فرسول - اصطلاحی در بازی فوتبالی - نت بیچاره آ - آب منجمد ۱۰- از صادر کردنی هادر دادگاه - اتحادیه دست جهانی ۱۱- کلمه در دو افسوس - رفتار سازشکارانه - عهد و پیمان است در مقام تأکید هم می گویند ۱۲- نخب تابنده - آفریده شدگان - غم یکجا - قاطر - خاک و ضعیف ۱۳- سلطان و خدولوند - درجه مقام - مشهور و معروف ۱۴- جوان - نمایش همراه با آواز - از شهرهای ایتالیا ۱۵- کاشف آلمانی سرم دیتری در سال ۱۹۹۲ میلادی

**عربی:**

۱- رهنگر - پایتخت کشوری در آمریکای جنوبی ۲- این هم پایتختی عربی است - حیرت و تعجب - از میوه های درختی و صیفی ۳- بیمار و مجبور - از وسایل مولد نیرو - حمام لغزی ۴- پول خرد هندی - قاطر - خاک سفالگری - امید که به تکیه یاد شود - غنی نازی - زیر رویه و تنسیتند - همسراه با غذا می خورند ۶- بریان و اشرف بران بر آتش - از القاب لروایی - خاندان ۷- قاضی

**استخدام**

به تعدادی ویترو و پیترس و صندوقدار ویک راننده آشنا به محل برای کاردریک رستوران ایرانی واقع دروست لس آنجلس نیازمندیم  
۰۴۰۶-۴۹۰۰۰۰۰۰ (۳۱۰)

**خستگی روزانه را با آرامش ماساژ اترن خودبیرون کنید**

**ماساژ**

توسط دوشیزه جزمین  
۲۸۲۵-۹۰۴ (۸۱۸)

**تعمیر و کوک سنتر**

تعمیر تارو سه تار در کوتاهترین زمان  
۹۴۹۴-۶۹۶ (۳۱۰)

**اجاره آپارتمان**

با برق و گاز رایگان

آپارتمان های زیبا و لوکس در بهترین منطقه هاتورن یک خوابه با اجاق و یخچال، پارکینگ دردار و استخر و دستگاه های رختشویی مدرن ۹۹ دلار دپازیت و یکماه اجاره مجانی قیمت ماهیانه ۱۰۷۵ دلار برای صدق این گفتار ما، از این آپارتمان ها دیدن کنید  
۶۴۴ - ۶۳۱۰ (۳۱۰)

**استخدام**

به یک کشیر برای کار تمام وقت و یا نیمه وقت دریمپ بنزین فورا نیازمندیم لطفاً از دوشنبه تا شنبه و از ساعت ۸ صبح تا بعد از ظهر تلفن شود  
۱۶۶۱-۳۹۰ (۳۱۰)

**استخدام راننده**

شرکتی برای حمل و نقل بسته های کوچک نیاز به تعدادی راننده با اجازه کار، اتومبیل، بیمه و آشنائی به زبان انگلیسی و توانائی از نقشه Thomas Guide رادارد  
۲۵۶۸-۳۴۵ (۳۱۰)

**فروش**

یک سوپرمارکت در شهر تاهانگا در شمال گلندل با ۲۵۰۰ اسکوئیت به قیمت ۱۹۵ هزار دلار به اضافه اجناس بفروش میرسد  
۶۳۱۲-۴۰۰ (۸۱۸)

**سوپر ارواین**

949-552 - 8844  
Heritage Square/ Behind Denny Rest  
14120 Culver Dr. Suite  
B.C.D Irvine CA 92714

**میشین رنج مارکت**

فروشگاه گوشت، سبزیجات میوه تازه و دلی

آدرس: ۳۳۱۶ لس آلیوس در میون بیویو  
تلفن: ۵۸۷۹-۷۰۷ (۹۴۹)

**رستوران حاتم**

شماره یک  
(714)991 6262  
1112 N. Brookhurst St.  
Anaheim, CA 92801

**رستوران حاتم**

میشن ویشو  
(949)768 0122  
24000 Alicia Parkway, #28  
Mission Viejo, CA 92691

**آرتریا مارکت**

مرکز پیش گوشت حلال ، مواد غذایی  
2322 ARTESIA BLVD  
Redondo Beach, CA 90278  
(310) 376-0043

**سوپر شایان**

به واقع بازار تهران را برای شما تداعی میکند  
۵۵۹۷-۳۷۵ (۳۱۰)

**هاورن مارکت**

اولین و بزرگترین فروشگاه ایرانی در جنوب لس آنجلس  
(310)373 4448  
24202 Hawthorne Blvd,  
Torrance, CA 90505

**ASRE EMROOZ**



کاشیدو سرش را چرخاند و تازه متوجه شکسته شدن آیه میز آرایش شد. نگاهم به دستم انداخت و آهی کشید و بعد به سمت تخت رفت و روی لبه آن شلخت ناراحتی از چهره اش می یازید و چشمانش تیره تر از معمول شده بودند. حدس سکوت کرد و بعد گفت: «روز سه شنبه به هتل زنگ ردی؟» نمی خواستم جوابم را بدهم اما به خاطر اینکه بلدان من صدای زن دیگری را از اتاق او شنیده ام گفت ببله همون موقعی که به غیر از خودت کسی دیگری به تعین پاسخ داد من پیش خط بودم و هم صدای تو و هم صدای مار تینا را شنیدم.»

باز هم نفس نفس می زدم و احساس می کردم دچار حمله عصبی شده ام. دوست داشتم می توانستم خودم را بکنم اما بعد از تحریک می که از مرگ پیدا کرده بودم می ترسیدم حتی به آن فکر کنم.

پیروز با دیدن حالم بلند شد و به طرفم آمد. لرزش تمام وجودم را گرفته بود با وجود گرمی هوا و با اینکه سرد نبود می لرزیدم. پیروز نزدیک آمد و گفت: «نگین قسم می خورم به تمام معصومات به هر چیز که تو به آن اعتقاد داری اینطور که تو فکر می کنی نیست. ما تینا برای من فقط یک همکار است نه چیز دیگر. اما در این مورد من از تو معذرت می خواهم حتی داری عصبانیت باشی من به تو نگفتم که در این سفر ما تینا با من است چون می دانستم که حتماً ناراحت می شی اما باور کن سوئیت او از من جدا بود آن روز هم اتفاقی به اتاقم آمده بود تا کارهایش از فرزندهایمان را به من بدهد. نگین باور کن من به تو دروغ نمی گویم.»

دوست داشتم باور کنم اما این چند روز به جدی عذاب کشیده بودم که حدی نداشت. پیروز جلو آمد و دستهایش را دورم پیچید این بار مقاومت نکردم به پناهگاهی احتیاج داشتم تا آرامشم را بازیابم و جر آغوش او پناه دیگری وجود نداشت.

هفته ها از آن موضوع گذشت. من کم و بیش او را ببخشیده بودم. پیروز هم سعی می کرد کنش را با ما تینا در همان شرکت منجم کند و دیگر از منزل با او تماس نمی گرفت اما من دوست داشتم که حتی دیگر سا او کار هم نکند. بی خود و بی جهت از ما تینا متنفر بودم.

روزی برتا همانا بهم زود و گفت که از ایران تلفن دارم. سراسیمه به طرف گوش می دادم و آن را برداشتم ابتدا فکر می کردم که مادر است و یا توجه به اینکه حدود دو ماه می شد که از او خبر نداشتم حتماً نگران شده بود و به سوز زنگ زده بود اما وقتی به تلفن جواب دادم و فهمیدم بر دیس پشت خط است از خوشحالی فریاد کشیدم. بر دیس از سندانج زنگ می زد و گفت که قرار است روز بعد به تهران بروند و چون دلش برآیم تنگ شده بود نتوانسته طاقت بیابارد و از تهران زنگ

برند. از او جان پدر و مادر و بقیه را پرسیدم و او گفت که همه خوب هستند. بر دیس مثل همیشه نبود و مثل این بود که ناراحت است. من چهره اش را نمی دیدم اما از طرز صحبتش می فهمیدم که باید اتفاقی افتاده باشد که او این چنین بی جان و ماباحت صحبت می کند. از او پرسیدم: «حیرت شده؟»

«نه چطور مگه؟»  
«آخه احساس می کنی ناراحتی.»  
«نماید دیروز سرما خوردم فکر می کنم به خاطر این باشه.»

هنوز قانع نشده بودم سر ما خوردگی چیزی نبود که بتواند بر دیس را این چنین افسرده و غمگین کند. یک بار دیگر حال پدر و مادر و بریا را پرسیدم و او مرا مطمئن کرد که همه خوب هستند یک لحظه به پلت عمه سوزه افتادم و به نظرم رسید شاید او طوری شده و ما اینکه دم نمی خوریم اما فکر کردم نکنند. او مرده و بر دیس نمی داند این حیر را چگونه به من بدهد. از او پرسیدم: «سر سیمه عمه سوزه چطور است؟»

بر دیس خیلی عادی گفت: «او هم خوب است دو روز پیش با سروروش به دیدنش رفته بودیم از تو هم خیلی پرسیدو گفت که اگر زنگ زدم سلامش را به تو برسانم.»

از جانب او هم خیرام راحت شد. بر دیس بعد از چند کلمه که مختصری از احوال پشوا و مادرش بود و همچنین خبر عقد نوید و آمدن خواستگار برای نرشین چیز دیگری نگفت. بعد از گذاشتن گوشی تلفن به فکر فرو رفتم. یک سال و نیم بود که خانوادهم را ندیده بودم. دلم برایشان خیلی تنگ شده بود. کم کم باید به این فکر می آمدم که سفری به ایران داشته باشم و به دیدن خانواده ام بروم تصمیم می گرفتم همان شب این موضوع را با پیروز در میان بگذارم.

پیروز از این موضوع استقبال کرد و گفت که در فرصت مناسبی به اتفاق هم به ایران خواهیم رفت او این فرصت مناسب را تعطیلات کریسمس عنوان کرد که چیزی به آمدن آن نماند. بود و من نیز موافق بودم.

پس از مکالمه کوتاهی که با بر دیس کردم یک بار به منزل پدرم رنگ زدم و از انجول آتان جویا شدم. مادر بیشتر دوست داشت از حالم پرسد تا اینکه خبری به من دهد. می دانستم که دلش خیلی برآیم تنگ شده است این را از گر بهاش که سعی می کرد پنهان کند متوجه شدم. من نیز دلم برای همه آنها تنگ شده بود حتی برای زن عمو اما هر وقت به عمو فکر می کردم متوجه می شدم که هنوز او را دوست ندارم و هنوز از دستش دلچرکیز هستم.

## تکرار ضدیت با موجودیت اسرائیل از سوی رژیم تهران

محمود احمدی نژاد رئیس جمهور ایران که برای شرکت در نشست فوق العاده سران سازمان کنفرانس اسلامی در شهر مکه در عربستان سعودی به سر می برد، طی نشستی خبری بار دیگر به سخنرانی علیه موجودیت اسرائیل پرداخت. احمدی نژاد در نشست خبری گفت این را قبول ندارد که هیتر، رهبر آلمان نازی میلیونها یهودی را در گوره های آدم سوزی سوزانده اما اگر فرض بر این گذاشته شود که این ادعا درست است، چرا اروپاییهایی که به دلیل کشتار یهودیان به دست هیتر از اسرائیل حمایت می کنند، در خاک خود مثلاً در آلمان یا اتریش چند ایالت خود را به «صهیونیستها» نمی دهند تا حکومت خود را در آن ایجاد کنند.

او خطاب به دولتهای اروپایی گفت: «شما قطعه ای از اروپا را تقدیم کنید، ما هم از آن حمایت می کنیم و هیچ شعاری هم علیه دولت آنها نخواهیم داد.» بی بی سی گفت: «انکار کشتار یهودیان در زمان جنگ جهانی دوم در برخی کشورهای اروپایی از جمله آلمان و اتریش که (احمدی نژاد از آنها نام برده است) جرم محسوب می شود و چنین سخنانی می تواند دست کم باعث شود که از امکان سفر به این دسته از کشورها و گسترش روابط کشور خود با آنها را از دست بدهد.»

رئیس جمهور رژیم تهران علاوه بر سخنرانی خود در نشست فوق العاده سران دولتهای عضو کنفرانس اسلامی که یک روز پیشتر ایراد شده بود بار دیگر این طرح را پیشنهاد **هجوم به دانشجویان و احضار به اطلاعات** بر اساس گزارش سایت روز از تهران، وزارت اطلاعات دولت جدید، موج جدیدی از احضار های تلفنی و تهدید فعالین دانشجویی را آغاز کرده است. به موجب این گزارش ها، اعضای دفتر تحکیم وحدت و سایر فعالین مستقل دانشجویی، با تلفن، به صورت شفاهی به هتل ها و اماکن ناشناخته احضار می شوند و مورد بازجویی های طولانی قرار می گیرند. حتی در برخی از موارد با احضار شدگان در خیابان قرار می گذارند و سپس با چشم بند آنها را به اماکن نامعلوم انتقال می دهند. بازجویی ها که گاه تا چند ساعت به طول می انجامد، حول محور فعالیت های دانشجویی، برنامه های دانشجویان برای آینده و کسب اطلاعات در مورد سایر فعالین دانشجویی است. از جمله دانشجویان احضار شده باید به این سوالات پاسخ بدهند که چه کسانی بیانیه های دانشجویی را می نویسند، سخنانان مراسم های دانشجویی چه کسانی هستند، قرار است در چه زمینه هایی سخن بگویند، برنامه بعدی دانشجویان چیست و...

روزنامه همشهری ادعا کرده است که پس از وقوع حادثه تلخ سقوط هواپیما اطلاعات دقیقی درخصوص مسائل مربوط به این حادثه به روزنامه رسیده است. از جمله اظهارات کارکنان خدمت و پرتلاش برج مراقبت فرودگاه که منکر تقصیر خود و شایعه موجود هستند و از مسائل دیگری سخن می گویند. روزنامه همشهری ضمن حفظ محرمانه منابع این اطلاعات به دلیل

## تهدید روزنامه همشهری به افشای سقوط مرگبار هواپیما

روزنامه همشهری ادعا کرده است که پس از وقوع حادثه تلخ سقوط هواپیما اطلاعات دقیقی درخصوص مسائل مربوط به این حادثه به روزنامه رسیده است. از جمله اظهارات کارکنان خدمت و پرتلاش برج مراقبت فرودگاه که منکر تقصیر خود و شایعه موجود هستند و از مسائل دیگری سخن می گویند. روزنامه همشهری ضمن حفظ محرمانه منابع این اطلاعات به دلیل

## دیپلماسی مفلوج؟! ابواب شگفتی از انتصاب سفرای جدید جمهوری اسلامی

به گزارش سایت روز وزارت خارجه رژیم در حال نهایی کردن گزینه های خود برای جایگزینی سفرای عزل شده ایران در اروپا است. در این میان، برای جایگزینی سفرای قبلی از چهره هایی نام برده می شود که احتمال انتصاب آنها، با شگفتی ناظران رو به روست؛ چرا که به هیچ عنوان در حد و اندازه پست های دیپلماتیک مهم نیستند. ظاهراً، وجه مشترک این دیپلمات ها «سابقه دیپلماتیک ناچیز» و «عدم تسلط به زبان خارجی» می باشد که ویژگی (رایج تر) دوم، عارضه ای است که حتی وزیر امور خارجه دولت احمدی نژاد و وزیر نفت پیشنهادی او نیز، از آن رنج می برند.

● در این میان گفته می شود به عنوان نمونه، گزینه دولت جدید برای تصدی سفارت ایران در فرانسه، فردی است به نام

## اعتراض بستگان قربانیان دلخراش ترین حادثه

خویشاوندان خشمگین بیش از صد قربانی دلخراش ترین سانحه هوایی سه سال گذشته، روز چهارشنبه مدعی شدند که مقامات از قبل می دانستند که هواپیما از ایمنی لازم برای پرواز برخوردار نیست. مقامات نظامی اطلاع از نقص فنی هواپیمای نیروی هوایی را منکر شدند، اما قوه قضاییه اعلام کرده که یک قاضی را معین کرده است تا به ادعاهای خویشاوندان قربانیان رسیدگی کند. هواپیمای هرکولس سی-۱۳۰ ساخت آمریکا ده ها خبرنگار را برای پوشش خبری رزمایش نظامی خلیج فارس به بندرعباس می برد. مژگان افشار خواهر خبرنگار شبکه تلویزیون دولتی می گوید: «چرا آنها این همه خبرنگار را سوار هواپیمایی می کنند که مشکل فنی دارد؟ ما می خواهیم شکایت کنیم. اما کجا باید برویم؟»

## اعتراض اتحادیه اروپا به از سرگیری فنی سازی اورانیوم به جمهوری اسلامی

سفارت بریتانیا در تهران به عنوان نماینده اتحادیه اروپا در ایران بیانیه ای منتشر کرده و طی آن نسبت به اظهارات اخیر علی لاریجانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران که خواهان از سرگیری فنی سازی اورانیوم در کشور شده، ابراز تأسف کرده است. ● لاریجانی دوشنبه گذشته (پنجم دسامبر) طی نشستی خبری در تهران اعلام کرده بود که کشورش بزودی سانتریفوژ اورانیوم را به منظور فنی سازی این عنصر رادیواکتیو و تولید سوخت اتمی از سرخواهد گرفت. ● اظهارات وی موجب نگرانی اتحادیه اروپا شده که از سرگیری سانتریفوژ اورانیوم در ایران را نقض تعهدی می داند که دولت این کشور سال گذشته به دولت های بریتانیا، فرانسه و آلمان داده است. بنابراین تعهد، حکومت ایران باید تا زمانی که نگرانی این سه دولت اروپایی از برنامه اتمی اش رفع نشده، فنی

## طرحهای احمدی نژاد برای سازمان کنفرانس اسلامی

بزرگترین نهاد بین المللی اسلامی به شمار می رود و پنجاه و هفت دولت جهان عضو آنند، اما تحلیلگران اعتقاد دارند که نشستهای آن به سطح جلساتی برای ایراد خطابه کاهش پیدا کرده و اکنون پادشاه جدید عربستان سعودی به دنبال بخشیدن نقشی جدی به این سازمان است.

سران شرکت کننده در نشست جاری سازمان قرار است پیشنهادهای برای تدوین طرحی دهساله جهت پیشرفت جهان اسلام در جهات مختلف عرضه کنند. ● وی در این نشست که در شهر مذهبی مکه در عربستان سعودی برگزار شده، خطاب به سران کشورهای مسلمان هشدار داد که بعضی از کشورهای اسلامی در معرض تهدید قدرتهای بزرگ قرار دارند و اگر «بدخواهان و دشمنان اسلامی با عکس العمل مناسب کشورهای اسلامی مواجه نشوند، هیچ مرزی برای تجاوزات خود نخواهند شناخت.

● احمدی نژاد در سخنرانی خود از ملک عبدالله پادشاه عربستان سعودی با عنوان «خادم الحرمين الشريفین» و در عین حال کشورهای اسلامی را مورد انتقاد قرار داد که در سیاستهای منطقه ای و جهانی انسجام و هماهنگی ندارند و فاقد اعتماد به نفس و خودباوری کافی اند.

● او خواهان تأسیس شبکه رادیو تلویزیونی مشترک و شبکه اطلاع رسانی بین المللی اسلامی با هدف ترویج فرهنگ ناب اسلامی و تقارب اندیشه ها و سلاقت گوناگون در امت اسلام، تشکیل هر چه سریعتر بازار مشترک اسلامی و برقراری تسهیلات گمرکی میان کشورهای مسلمان، آسان شدن رفت و آمد مسلمانان به کشورهای یکدیگر و تأسیس دیوان داوری اسلامی شد.

● رئیس جمهور ایران اسرائیل را مهمترین مانع پیش رو و دغدغه مشترک املا اسلامی خواند و تنها راه «خردمندانه» برای حل این «مشکل» را همه پرسى ای دانست که همه فلسطینیان اعم از مسلمان، یهودی و مسیحی در آن شرکت کنند. ● البته احمدی نژاد توضیح داد که شرکت کنندگان در این همه پرسى باید فلسطینی الاصل باشند، یعنی یهودیانی که نیم قرن عمر دولت اسرائیل به این کشور مهاجرت کرده اند شامل آن نمی شوند، در حالی که همه فلسطینیانی که در خارج از سرزمین فلسطین زندگی می کنند می توانند بازگردند و در همه پرسى شرکت کنند. ● وی از سازمان کنفرانس اسلامی خواست گروهی را مأمور پیگیری طرح همه پرسى پیشنهادی او کند.

وی با اشاره به مشکلات مهاجران مسلمان در کشورهای غیراسلامی خواهان تشکیل سازمان حقوق بشر اسلامی شد تا رفتار کشورهای مختلف را در قبال حقوق بشر بررسی و گزارش سالانه آن را منتشر و در راه استیفای حقوق انسانها تلاش کند. ● ملک عبدالله پادشاه عربستان سعودی که خواهان برگزاری این نشست فوق العاده شده اعتقاد دارد که اسلام از سویی و از جانب افراطیون مسلمان از سوی دیگری از جانب آنها می که در غرب اسلام را دینی خشن و خطری برای خود می دانند تحت حمله است و همبستگی مسلمین در شرایط کنونی بیش از هر زمان دیگری ضرورت پیدا کرده است.

● وی به منظور یافتن راهی جهت ایجاد این همبستگی و همچنین به منظور احیای سازمان کنفرانس اسلامی خواهان تشکیل این نشست فوق العاده دروزه شده است. ● با اینکه سازمان کنفرانس اسلامی

## یک کلام

سایت بازتاب خبرداد که مدیران دستگاه های قضایی سفرهای پر بارى به ژاپن و اروپا و برزیل داشته اند.

**- بخصوص این که در درس تشریفات «صیغه» هم نداشته اند!**

**خداوند!**

احمدی نژاد خطاب به سران غرب گفت: از دست ما عصبانی هستید، به قول خداوند از عصبانیت بمیرید.

**- حتی این فحاشی خودشان را هم به حساب خداوند می گذارند!**

**وظیفه!**

حجت الاسلام خوئیینی ها گفت: مسئله اصلی حفظ جمهوریت و اسلامیت نظام است.

**(جمهریت) را در این کشور خوانده اید و هم (اسلامیت) را از سکه انداخته اید!**

**طلبکار!**

رئیس جدید دانشگاه تهران گفت: دانشجویان برای سپاس از آزادی بیان، باید گوش ها را نیز به کار گیرند

**- بابت موهبتی که دانشجویان را از آن محروم کرده اند، این یارو از آن ها طلبکار هم هست!**

**ادبیات!**

روزنامه اعتماد نوشت: تغییرات گسترده ای در ادبیات اقتصادی وزارت نفت. خداحافظی با بیع متقابل و فاینانس.

**- تا حالا با این ادبیات چپاول می کردند، بعد از این به بیانه بردن نفت بر سر سفره مردم! راه!**

دکتر حداد عادل رئیس مجلس گفت: مجلس هفتم راه مدرس و امام را برگزیده است!

**- در نهایت راه ساخت و پخت است و عوام فریبی!**

**حق!**

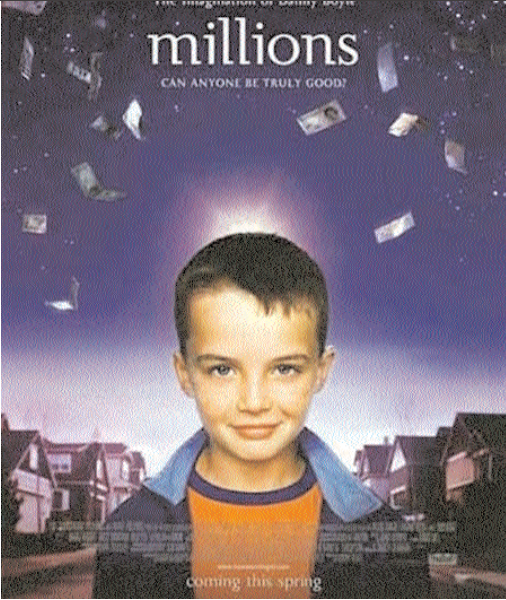
آیت الله موسوی اردبیلی گفت: اعصاب حتی کارگران است.

**- به حرف آن کسانی که امروزه دستشان به دم گاوی بند است، در این مورد گوش نمی دهند چه برسد به این آیت الله بازنشسته!**

۱ (۶۲۶) ۳۰۱-۰۸۰۱

کارخانه فروش شویی تهران

ارایه یک سرویس خوب از ما، پشتیبانی شما از کار ما را در بر دارد



**میلیون ها Millions**

دویمین هفت ساله و آنتونی نه ساله پس از مرگ مادرشان بر اثر سانحه رانندگی با پدرشان زندگی می کنند. آن دو روزها را با خیال پردازی و صحبت با قدیسه ها می گذرانند تا این که یک روز دویمین هنگام بازی در کنار خط راه آهن کیفی پر از پول پیدا می کند. دویمین دوست دارد پاور کند که این پول ها هدیه ای از طرف خدا در برابر کارهای نیک است که انجام داده اند. اما مشکل کوچکی وجود دارد. میلیون ها پوند درون کیف در عرض چند هفته از اعتبار ساقط خواهند شد، چون دولت انگلستان تصمیم دارد بیور را به عنوان پول رایج خود به گردش بیندازد.



**موشی قطبی / گورگورانه Lemming**

بندیکت و آلن زوجی جوان سعی دارند تا به شهری که تازه به آن نقل مکان کرده اند، خوب بگردند. بندیکت که هنوز موفق به یافتن شغلی نشده، اغلب اوقات خود را در خانه می گذرانند. آلن که مهندس است در یک شرکت کامپیوتری کار می کند. یک شب رئیس اش ریشار او و همسرش را برای شام به خانه خود دعوت می کند. اما از ابتدای مهمانی آلیس همسر ریشار رفتاری عجیب از خود بروز می دهند و سرانجام با گفتن این که آلن قصد دارد تا همسرش را به قتل برساند، همه چیز را به هم می ریزد.



**به جای او In Her Shoes**

مگی دختری است که پس از فارغ التحصیلی مرتباً شغل عوض کرده و وقت خود را اغلب در میهمانی ها می گذراند. تنها مهارت او آرایش و لباس عوض کردن به قصد جلب توجه دیگران است. اما خواهرش رز بر خلاف او دختری آرام و وکیلی چیره دست که از دانشگاه پرینستون فارغ التحصیل شده و در بزرگ ترین دفتر حقوقی فیلادلفیا مشغول به کار است. دو خواهر مجبور می شوند در یک سفر به قصد دیدار از مادر بزرگ رو به موت شان با هم همراه شده با همدیگر به تفاهم برسند، چون...



**جوجه کوچولو Chicken Little**

یک سال از افتتاحی که جوجه کوچولو با دیدن ماهی پلامود در دهکده به راه انداخته بود، می گذرد. او تصمیم گرفته تا با پیوستن به تیم بیس بال دهکده بار دیگر احترام پدرش و اعتماد اهالی را کسب کند. اما این بار یک موجود فضایی بر سرش نازل می شود. او دچار وحشت می شود، اما به خاطر ترس از ناباوری اهالی این واقعه را فقط با دوستان صمیمی اش - یک ماهی، یک اردک و یک خوک- در میان می گذارد. آنها تصمیم می گیرند تا برای نجات دنیا از چنگ موجودات فضایی دست به کار شوند.

**۱۰ فیلم برتر روز بروی پرده های سینمایی جهان**



**زاتورا Zathura**

دنی و والتر دو برادر که با همدیگر همواره سر جنگ دارند، در زیرزمین خانه قدیمی خود یک بازی به نام زاتورا پیدا می کنند. با شروع بازی آن دو خود را در فضا می یابند و مجبور می شوند تا با همدیگر به تفاهم رسیده و بازی را به پایان برسانند. چون در غیر این صورت تا ابد در اعماق تاریخ فضا زندانی خواهند شد.



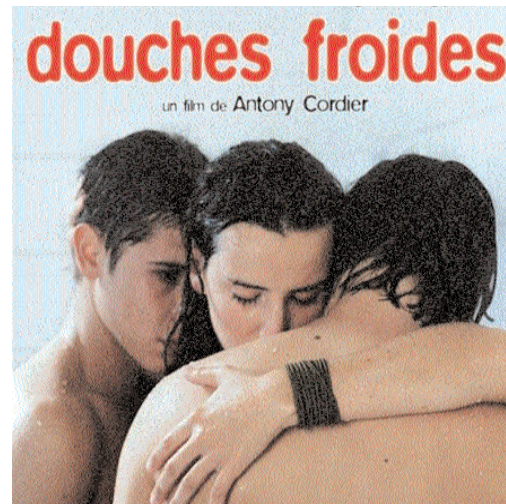
**شیخ اپرا The Phantom of the Opera**

در ساختمان اپرای فرانسه شیخی سکونت دارد که تماشاگران و کارکنان آنجا را گاه با حضور خود ناراحت می کند. تا این که یک روز شیخ عاشق کریستین، یکی از خوانندگان زن گروه کر می شود و برای این که بتواند او را به دست آورد، تصمیم به ربودن او می گیرد. تصمیمی که برای کریستین و شیخ حوادثی غیر منتظره رقم خواهد زد.



**شماره ۴۶ خپیان که در آرفوره ۶۳ Quai des Orfres**

روبر مانسینی رئیس پلیس پاریس در شرف بازنشستگی است. برای جانشینی او دو نامزد بیشتر وجود ندارد: لئو ورینکس و دنیس کلاین. مانسینی شرط رسیدن به مقام ریاست پلیس را دستگیری باند سرقت اتومبیل های زره پوش حامل پول و اوراق بهادار اعلام می کند. ورینکس و کلاین دو پلیس با خصوصیات متفاوت مسئول رسیدگی به این پرونده می شوند. هر دو با کمک خبرچین های شان سعی در یافتن اطلاعات و نابودی این باند دارند و به زودی این ماموریت تبدیل به نبردی شخصی میان این دو نفر می شود.



**دوش سرد Douches froides**

شهری کوچک در فرانسه، زمان حال. میکائیل ۱۷ ساله با پدر و مادرش ناسازگارشی زندگی می کند. آنها دچار مشکلات مالی نیز هستند. پدر خانواده برای این که بتواند تعادلی به اوضاع خود بدهد، تصمیم می گیرد تا به مدت دو هفته بدون برق زندگی کنند. میکائیل مجبور است تا این مدت را با شیر کاکائوی سرد و دوش سرد بگذراند. او همزمان از سوی مدرسه به دلیل کاپیتانی تیم جودو تشویق می شود. حامی مالی تیم پدر ثروتمند یکی شاگردان مدرسه به نام کلمان است که به تازگی با میکائیل دوست شده است. آن دو به زودی رابطه ای ممنوع با دوست و نسای زیبا و برقراری می کند.

**این حراج استثنائی فقط تا آخر دسامبر ادامه دارد**

**توجه فرمایید Del Bianco توجه فرمایید**

**دلبیانلو بزرگترین واردکننده مبلمان و لوازم تزئینی از اروپا و سراسر جهان**

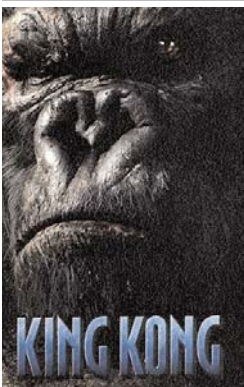
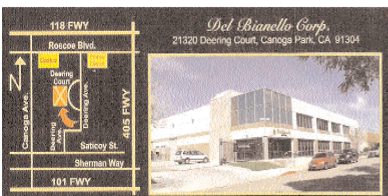


**به علت پایان مهلت اجاره محل، تمام اجناس خود را به هر قیمتی به فروش می رساند.**

**توجه فرمایید به هر قیمتی به فروش می رساند**



راسکو پشت کاستکو



**کینگ کونگ King Kong**

کارل دنهم کارگردان ماجراجو به همراه جک دریسکول فیلمنامه نویس و آن دارو، بازیگری که برای به شهرت رسیدن حاضر به انجام هر کاری است، برای ساختن فیلمی به جزیره ای در اقیانوس هند می روند. آنها افسانه هایی درباره گوریلی غول پیکر و حیوانات ماقبل تاریخ که در این جزیره سکونت دارند می شنوند، اما آنها را جدی نمی گیرند تا این که گوریل غول پیکر ظاهر شده و شیفته آن دارو می شود.



**احترام Hwal**

پیرمردی که دختری را از هفت سالگی بزرگ کرده، قصد دارد تا به محض رسیدن او به ۱۸ سالگی با وی ازدواج کند. آن دو در یک قایق زندگی می کنند و زندگی خود را با کمک کردن به مسافران که قصد ماهیگیری دارند، می گذرانند. چند ماه مانده به عروسی، که پیرمرد سال ها منتظر آن بوده، مسافری جوان برای ماهیگیری پا به قایق آنها می گذارد و ...

# سوریه در ضربات پناستی نفسی تیم امید را با ۴ گل گرفت

دیروز برای تیم المپیک ایران روز سرنوشت سازی بود. امیدها برای رسیدن به فینال راهی جز شکست سوریه، دیگر مدعی جام نداشتند سیمونز و شاگردانش در شرایط پیش از بازی دیروز بعنوان اصلی ترین مدعی قهرمانی مطرح بودند. روزنامه های قطر بعد از شکست ۴ بریک تیم کشورشان مقابل ایران روی این نکته تأکید کردند. حتی روزنامه الشرق روز گذشته با اشاره به بازیهای نیمه نهایی و با تیتیر «ایران نامزدی فوقالعاده» به استقبال مسابقات رفت. این روزنامه نوشت: «ایران به طور حتم با شکست سوریه در فینال به مصاف عراق یا عربستان میرود. که دیدنی تمامی حسدسات تیم امید ایران بانیجه ۴ بریک در ضربات پناستی مغلوب تیم سوریه شد و شانس قهرمانی رابه اسانی از دست داد.

تیم ایران قبل از اتمام وقت قانونی چندین بار موقعیت گل پیدا کرد که هرباربابی دقتی مهاجمان و یادارخشی بی چون و چرای دروازه بان سوریه مانع به ثمر رسیدن گل شد. البته داومسابقه نیزعلیرغم اخراج یک بازیکن سوریه در دقیقه ۸۸ بازی چشم برخطاهای بازیکنان سوریه می بست و حتی درزدن ضربات پناستی بامردودشناختن گل بدست آمده روحیه رازبازیکنان تیم ایران گرفت و آنان راواداربه پذیرش شکست کرد. درارتباط باین بازی ودلایل ناکامی تیم امیدحرف فراوان است که اجازه بفرماییدرد شماره آینده (دوشنبه) آرتدنبال کنیم.

ایران و سوریه قبل از بازی دیروز ۱۶ بار مقابل هم قرار گرفته و در واقع این بازی هفدهم دو تیم به حساب میامد. ایران اغلب برابر سوریه برنده بوده. ملیپوشان کنورمان تا به حال ۹ بار حریف را شکست داده اند و تنها دو بار باختند. که اولین آن مربوط به بازیهای مقدماتی جام جهانی ۱۹۷۸ آرژانتین میشود و دومین آن نیزروز گذشته درکنشرفطرو درکادر مسابقات قهرمانی غرب آسیاشکل گرفت. ایران روزشنبه باعربستان برسر مقام سوم جدال خواهدکردو عراق باسوریه برای شناخت قهرمان بازی خاوندانداشت

# فیفا شیوه ارزشگذاری تیم هابرای سیدبندی جام جهانی رامنشکرد ایران بیست و یکمین تیم با ارزشش جام ۲۰۰۶



اگر ۳ امتیاز مثبت شرکت در جام ۹۸ را کنار این عدد بگذاریم، پونن ایران در ارزش گذاری فیفا به ۱۹ می رسد. نباید فراموش کرد که برزیل در این ارزش گذاری از هر ۶۴ امتیاز ممکن هر ۶۴ امتیاز را گرفت تا تیم اول ارزش گذاری شود. انگلیس، اسپانیا، آلمان، مکزیک، فرانسه، آرژانتین و ایتالیا تیم های بعدی این ارزش گذاری بودند که سرگروه هفت گروه دیگر شدند. در این جدول هلند با ۳۸ امتیاز تیم دهم شد تا به سیاه راه پیدا کند.

سرگروهی تیم ملی مکزیک در مسابقات جام جهانی ۲۰۰۶ و قرار گرفتن تیم های هلند و چک در سید د باعث اعتراض شدید چند کشور به شیوه سیدبندی مسابقات شد. فیفا هم برای اینکه جامحاضر در روش قرعه کشی جام جهانی ۲۰۰۶ زیر سؤال نرود ۱۲ ساعت پس از انتشار سیدها، نحوه قرارگرفتن تیم ها در چهار سید را روی سایت رسمی خود گذاشت. روش فیفا برای انتخاب تیم ها در چهار سید D و C و B و A به دو بخش تقسیم می شود. بخش اول به انتخاب سرگروه ها محدود می شود. در این بخش فیفا با ارزش گذاری سی و دو تیم حاضر در جام جهانی ۲۰۰۶ هشت تیم برتر را انتخاب کرده تا این هشت کشور با حضور در سید D مسابقات، سرگروه شوند. البته فیفا شانس آورد که قهرمان جام ۲۰۰۶ تیم حاضر در جام جهانی ۲۰۰۶ هم در بین هشت تیم ارزش گذاری بودند در غیر این صورت فیفا به مشکلی که در جام جهانی ۲۰۰۲ داشت برمی خورد. در آن جام کره و ژاپن با وجود

# میانگین نمرات کریمی از یکگوزبه ۳/۵ رسید



نمودار بازیهای علی کریمی در بایرن مونیخ مثل نوار قلب است! او در یونددس لیگا و حتی جام حذفی آلمان تا به حال ۹۰ دقیقه کامل برای بایرن بازی نکرده و اغلب به عنوان بازیکن تعویضی از زمین بیرون رفته.

کریمی در بیشتر بازیهای این تیم به عنوان یار ثابت برای تیم منطقه باوریا به میدان رفته و گهگاه آن هم این اواخر تبدیل به بازیکن جایگزین شده. گرچه در دیدار مقابل ماینز ۷۸ دقیقه در زمین حضور داشت.

ملی پوش ایرانی البته در دو بازی هفته سیزدهم و یازدهم هم اصلا شانس بازی به دست نیابرد. علی کریمی در دیدارهایی که برای بایرن به میدان رفته و از کبکر نمره گرفته، اغلب نمره ضعیفی به خود اختصاص داده. او کار را با عدد ۳ شروع کرد اما در هفته دوم مقابل لورکوزن آنقدر خوب بود که کبکر نمره ۵/۱ به او داد. با این حال در آن بازی کریمی با یک گل و یک پاس گل نتوانست عنوان بهترین بازیکن زمین را از آن خود کند. شماره ۸ بایرن بین هفته های سوم تا پنجم بین عددهای ۵/۳ تا ۵/۴ معلق بود تا اینکه در بازی برابر فرانکفورت با درخشش خیره کننده خود از کبکر ۲ گرفت و بهترین بازیکن زمین شد اما در بازی هفته هفتم مقابل هامبورگ کریمی چهره ضعیفی بود و همراه با بالاک، ماکای و زی روبرتو نمره ۵ گرفت تا جزو بدترین های تیم باش باشد. او در دو هفته بعدی هم نتوانست نمره ای کمتر از ۵/۳ بگیرد. ۳ هفته متوالی هم از کبکر نمره نگرفت چون در دو بازی هفته سیزدهم و یازدهم غایب بود و در هفته دوازدهم هم چون فقط ۲۵ دقیقه بازی کرد از کبکر نمره نگرفت. کریمی در بازی مقابل

# فوتبال آسیا حریف فولاد با قهرمان جام یوفا دیدار می کند

تیم پاختاکور ازبکستان یکی از حریفان فولاد در رقابت های لیگ قهرمانان آسیا به مصاف قهرمان جام یوفا می رود.

در چارچوب چهاردهمین دوره مسابقات سالانه مناطق مستقل کشورهای مشترک المنافع، پاختاکور ازبکستان به مصاف زسکاسکوی روسیه می رود. تیم های باشگاهی کشورهای استقلال یافته شوروی سابق در این مسابقات حضور دارند که نامدارترین آنهاشاختار دونتسک و مولدوان شریف (هر دو از اوکراین)، پاختاکور (ازبکستان) و نتچی (آذربایجان) هستند.

این تورنمنت زیر نظر فیفا و از چهاردهم تا بیست و دوم ژانویه در روسیه برگزار می شود.

خبر به برای ژاپنی ها  
اونو و نارازاکی مصدوم شدند  
شین جی اونو هافبک ملی پوش ژاپنی و فاینورد هلند، تا پایان اسال نمی تواند به میدان برود. اما خبر بد دیگر برای ژاپنی ها به سیگو نارازاکی مربوط می شود. دروازه بان ناگویا گرامپوس ایت نیز به دلیل آسیب دیدگی زانو حداقل دو ماه نمی تواند بازی کند.

این دروازه بان ۲۹ ساله که عضو تیم ملی ژاپن هم هست، در بازی مقابل جرف یونایتد چبیا مصدوم شد و فینال کاپ سلطنتی ژاپن که روز اول ژانویه برگزار می شود را با بدشانسی تمام از دست داد.

# پاداش فیفا برای تیم های حاضر در جام جهانی



اگر تیم ملی ایران در مسابقات جام جهانی ۲۰۰۶ در گروه خود بین دو تیم برتر باشد و به یک هشتم نهایی جام صعود کند، فدراسیون فوتبال ایران ۶۸ میلیون یوروی دیگر از فیفا پاداش می گیرد. این پاداش البته در کنار ۵/۴ میلیون یورویی که فیفا به هر تیم حاضر در جام جهانی ۲۰۰۶ می دهد می تواند رقمی بیش از ۱/۶ میلیون یورو به حساب فوتبال ایران واریز کند. مبلغی که می تواند فوتبال ایران را شکه کند.

قبل از اینکه تیمی به جام جهانی ۲۰۰۶ صعود کند، فیفا در اجلاس ۲۵ آوریل ۲۰۰۵ میزان پاداش به تیم های جام را تعیین کرد. فیفا در کل مبلغ ۲۸۰ میلیون یورو برای پاداش به سی و دو تیم حاضر در جام جهانی ۲۰۰۶ کنار گذاشت که این مبلغ به نسبت نمایشی که کشورها در جام دارند، بین تیم ها تقسیم می شود.

تمام ۳۲ تیم جام جهانی به صورت تضمینی ۵/۴ میلیون یورو پاداش می گیرند. البته این به شرطی است که تیم در گروه خود از جام جهانی حذف شود. اگر تیم به جمع ۱۶ کشور برتر جام صعود کند میزان پاداش ۱/۶ میلیون می شود و در صورت صعود تیم به هشت تیم برتر پاداش تا ۴/۷ میلیون یورو افزایش می یابد. چهار تیم صعود کننده به نیمه نهایی هر یک ۱۴ میلیون یورو پاداش می گیرند و تیم قهرمان ۵/۱۶ میلیون یورو به جیب می زند. پس اگر ایران بتواند با شکستی تمام قهرمان مسابقات جام جهانی ۲۰۰۶ شود با محاسبه هر یورو که فعلاً ۱۱۰۰ تومان ارزش دارد ۱۸ میلیارد و ۱۵۰ میلیون تومان پاداش می گیرد. البته اگر ایران از گروه خود هم بالا نرود پاداش خوبی به جیب می برد. ۴ میلیارد و ۹۵۰

**HANDYMAN**  
Home Improvement & Repair  
کلیه کارهای ساختمانی  
لوله کشی - برقکاری - نقاشی - نجاری - کف چوبی - ...  
سرویس های ۲۴ ساعته  
email: info@handyman1.net  
BUILDING CONTRACTORS  
PLUMBING - ELECTRICAL - CARPENTRY - MAINTENANCE  
Tiling - Plastering - Kitchen & Bathroom Fitting  
818 20 33 888  
www.handyman1.net

**Shir International**  
Majid Barghi & Sons Company  
خدمات ساختمانی  
ومدیریت آپارتمان بیلدینگ  
WWW.shir-international.com

انجام هر نوع کارهای ساختمانی داخل و خارج، بزرگ و کوچک  
در هر نقطه از لس آنجلس  
با قیمت بسیار مناسب و کیفیت  
کار عالی با گارانتی صد درصد  
Pager ۳۱۶۰-۹۷۸-۳۱۶۰  
Office ۳۱۶۰-۶۴۴-۹۴۰۸  
Cel ۳۱۶۰-۶۷۸-۵۹۴۱

# فوتبال آسیا حریف فولاد با قهرمان جام یوفا دیدار می کند

تیم پاختاکور ازبکستان یکی از حریفان فولاد در رقابت های لیگ قهرمانان آسیا به مصاف قهرمان جام یوفا می رود.

در چارچوب چهاردهمین دوره مسابقات سالانه مناطق مستقل کشورهای مشترک المنافع، پاختاکور ازبکستان به مصاف زسکاسکوی روسیه می رود. تیم های باشگاهی کشورهای استقلال یافته شوروی سابق در این مسابقات حضور دارند که نامدارترین آنهاشاختار دونتسک و مولدوان شریف (هر دو از اوکراین)، پاختاکور (ازبکستان) و نتچی (آذربایجان) هستند.

این تورنمنت زیر نظر فیفا و از چهاردهم تا بیست و دوم ژانویه در روسیه برگزار می شود.

خبر به برای ژاپنی ها  
اونو و نارازاکی مصدوم شدند  
شین جی اونو هافبک ملی پوش ژاپنی و فاینورد هلند، تا پایان اسال نمی تواند به میدان برود. اما خبر بد دیگر برای ژاپنی ها به سیگو نارازاکی مربوط می شود. دروازه بان ناگویا گرامپوس ایت نیز به دلیل آسیب دیدگی زانو حداقل دو ماه نمی تواند بازی کند.

این دروازه بان ۲۹ ساله که عضو تیم ملی ژاپن هم هست، در بازی مقابل جرف یونایتد چبیا مصدوم شد و فینال کاپ سلطنتی ژاپن که روز اول ژانویه برگزار می شود را با بدشانسی تمام از دست داد.

محض اطلاع

گفته ها

محض اطلاع

شنیده ها

محض اطلاع

خواننده ها



یک چهره متخصص و خبره و با تجربه

ساعت ۶ بعد از ظهر دوشنبه وقتی انسان پای تلویزیون امید ایران می نشیند و برنامه "گپ سهراب اخوان" را تماشا می کند و یا چهارشنبه شب ها از رادیو ۶۷۰ برنامه "یک قاشق شکر" او را گوش می دهد و سپس زندگی و فعالیت هنری، و فیلم سازی گذشته "سهراب اخوان" را مرور می کند، در می یابد که چرا وجود این همه افراد بی هنر و بی مسئولیت و بی ذوق در تلویزیون ها و

رادیو ها، جای چنین چهره های درس خوانده و با تجربه ای را تنگ کرده اند و بخصوص بسیاری از تلویزیون ها فاقد برنامه هایی هستند که تهیه کننده و کارگردان خبره ای آن را ساخته و پرداخته باشد.

بخصوص شنیده ایم که سهراب اخوان در سفر اخیر خود به اروپا، با دست پر بازگشته و گر چه برنامه های او گذشته او نیز می تواند خود یک ذخیره دیدنی برای هر رسانه ای باشد. به ویژه برنامه های "گپ" او جای ارائه بیشتری دارد.

با این همه امیدواریم با پشتکار و کوششی که در سهراب اخوان سراغ داریم به قول معروف حق به حقدار برسد.

تأثیر لایبی!

خانم از شوهرش که برای بچه لایبی می گفت، پرسید: چرا به ساعت زل زدی؟ شوهر نامبرده گفت: آخه داشتم برای بچه لایبی می گفتم، بجای اون می بینم که ساعت خوابیده!

درست برعکس!

جراح معروفی که خیلی عصبانی بود

به بیماری که پول گزافی برای عمل پرداخته بود و مرتب آه و ناله می کرد، گفت: چیه، چه خبره، خیال می کنی. زیر چاقوی قصاب خوابیدی آنقدر قیل و قال می کنی؟ بیمار گفت: غلط می کنم شمارا با قصاب مقایسه کنم. شما کجا و قصاب کجا؟ قصاب اول می کشه و بعد پوست می کنه. اما جنابعالی (پناه بر خدا) درست برعکس!

جلوگیری از زلزله!

یک شهرستانی از یک تهرانی پرسید: پس این زلزله ای که هی می گفتن در تهرون میاد چی شده؟ او جوابداد: می خواست بیاد ولی بسیجی ها نذاشتن!

دنیای عینکی ها!

یواش یواش خیلی ها در این دیار عینکی شده اند که بهتر ببینند ولی بدبختانه با عینک دنیا و جریانات و اوضاع را تیره و تارتر از زمان پیش از عینکی شدن می بینند.

خروج ارز!

از یکی از بچه های تهرانی پرسیدند: تو با چه ارزی از کشور خارج شدی؟

جوابداد: بارز معذرت! با هم گرم بشیم! پاسبانی نیمه شب زمستان به مردی مشکوک شد و گفت: دستها بالا و گرته آتش می گتم! طرف که تریاکش دیر شده بود گفت: خدا پدرتو بیامرزه، آتیش کن تا لااقل با هم گرم بشیم!

نیازمندی مورد لزوم!

این را زمانی از ستون نیازمندی ها، اینجا خواندیم: "یک خانم مامای تازه کار به یک خدمتکار آستن نیازمند است."

اسم داریم تا اسم!

همشهری ما رفته بود خانه دوستی و دختر خانم منزل برایش نوشیدنی آورد و او گفت: مرسی آهو خانم! دختره گفت: من اسمم پروانه است! همشهری ما گفت: حیون، حیوونه دیگه، چه توفیری داره!

آقا پسر بر مدعا!

آقا پسری که نذر خانواده بود، از مادرش پرسید: لباسمو از خشک شویی گرفتی؟ مادر گفت: نه یادم رفت!



پرسید: اتاق منو رو هم که مرتب نکردی؟ مادره گفت: این رو هم فراموش کردم! دردانه حسن کبابی منزل پرسید: پیراهن من رو هم اتو نزدی؟ مادرش گفت: اینم یادم رفت.

ترانه ای از یک خواننده آشنا

یکی از آهنگ های جدیدی که این روزها "گل" کرده، ترانه "ای خدا درها رو، وا کن" از فرامرز پارسی خواننده معروف است که ترانه تهران، تهران" او برای میلیون ها ایرانی خاطره انگیز است.

فرامرز پارسی از جوانی با اغلب سازها آشنا شد و نواخت و سپس دست به آهنگسازی زد و با تجربه ای که کسب کرده بود به خوانندگی روی آورد و خیلی زود ترانه هایش بر سر زبان ها افتاد و باعث شهرت او شد. فرامرز پارسی تا قبل از انقلاب در آمریکا به سر می برد و فعالیت هنری گسترده ای داشت ولی در سال های بعد از انقلاب از همه برنامه های هنری و کنسرت و جشن ها انصراف

**کلاسهای آمادگی امتحان REAL ESTATE**  
**- آیا میخواهید که درآمد اضافی داشته باشید؟**  
**- آیا میدانید که میتوانید با حفظ شغل فعلی خود در زمینه وام و REAL ESTATE فعال باشید؟**  
**مدرس: ALI MOORE**  
**تلفن: ۸۸۱۱-۳۴۲ (۸۱۸) 66-87**

**ماساژ توسط زیبای ایرانی مرسله**  
**۳۰۵۲ - ۳۴۵ (۸۱۸)**

**داروخانه رسیدا**  
 Reseda Pharmacy Inc.  
**۸۱۸**  
**۷۰۸-۳۰۳۰ (سینای سابق)**  
 تخصص در بیماری های قند و فشارخون  
 تخصص در نسخه های ترکیبی و هورمونهای طبیعی  
 انواع ویتامین ها و داروهای گیاهی  
 کفش طبی و وسایل طبی و بهداشتی  
 ارسال دارو به ایران  
**6900 Reseda Blvd Suite E Reseda Ca 91335**  
 جنب شیرینی سوا 71-90

**ELIZABETH SHAHJAHANIAN**  
 ATTORNEY AT LAW  
**دفتر وکالت الیزابت شاهجهانیان**  
 اگر در موارد طلاق، مشکلات خانوادگی، جرائم جنایی و تضادفات مشکلی دارید همین امروز با خانم (الیزابت) تماس حاصل نمائید.  
 خانم الیزابت با دلسوزی و با اطمینان کامل از حقوق شما دفاع میکند  
**با همکاری آقای Don Desimon وکیل رسمی**  
 مشاوره اولیه رایگان  
**300E. MAGNOLIA SUITE 402 BURBANK, CA 91502**  
**(818)840-1299**  
 آدرس 10-30 تلفن



**ژنرال سابق کروات به اتهام ارتکاب جنایات جنگی دستگیر شد**  
 دادگاه رسیدگی به جنایات جنگی در شهر لاهه از دستگیری انته گوتووینا، از ژنرال های سابق کروات خبر داده است. وی یکی از سه نفری است که به اتهام ارتکاب جنایات جنگی در یوگسلاوی سابق در صدر فهرست تحت تعقیب قرار دارند. وی همراه با رادوان کارادزیچ و راتکو ملادیچ، از رهبران صرب بوسنی، تحت تعقیب بود. آقای گوتووینا چهارشنبه شب در هتلی در جزایر قناری اسپانیا دستگیر شد.

کارلا دل پوتته، رییس دادگاه رسیدگی به جنایات جنگی گفت در عملیات دستگیری وی که از اوایل ماه سپتامبر آغاز شده بود، نیروهای اسپانیا و کرواسی به طور مشترک شرکت داشتند. خانم دل پوتته گفت این متهم اکنون به لاهه انتقال می یابد. وی قرار است طی چند ساعت آینده در دادگاهی در اسپانیا حاضر شود. انته گوتووینا که ۵۰ سال دارد، در ارتباط با عملیات توفان، عملیات ضد تهاجمی نیروهای کروات در

سال ۱۹۹۵ برای بیرون راندن جنگجویان صرب از جمهوری خودخوانده کرایینا در کرواسی، به ارتکاب جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت متهم شده است. خودداری آقای گوتووینا از تسلیم شدن به دادگاه رسیدگی به جنایات جنگی باعث شد که اتحادیه اروپا در اکتبر گذشته گفتگوهای مربوط به پیوستن کرواسی را به این اتحادیه به تعویق بیندازد.

**رستوران برگ سبز**  
**بهبترین موادغذائی آماده پذیرائی**  
**از میهمانان شما در رستوران و یاد منزل شماست**  
**14929 Magnolia Blvd., Sherman Oaks, CA 91403**  
**(818) 386-9672**

**THORSON GMC - Buick Pontiac**  
**MOTOR CENTER COMMERCIAL TRUCKS**  
**3456 E. Colorado Blvd. • Pasadena •**  
**بزرگترین مرکز اتومبیل های نو دست دوم در شهر پاسادنا**  
 Comercial Track Denali GTO  
**ده هزار دلار تخفیف برای خرید اتومبیل ۲۰۰۵ Yukon-YukonXL**  
**210E N (626)795-8851**  
**Open 7Days aWeek**  
 مشاوره فارسی و ارمنی زبان آرت وارطانیان "در خدمت شماست"  
**3456 E. Colorado Blvd 430 (818) ۴۰۲-۳۷۷۹**

**تالار خانوادگی کاسپین**  
**گروه هنری و فرهنگی کاسپین تقدیم می کند**  
**آئینا**  
**منوچهر چشم آذر**  
**هر پنجشنبه، جمعه، شنبه و یکشنبه شب ها هنرمند برجسته کشورمان**  
**منوچهر چشم آذر**  
**به همراه هنرمند محبوب آئینا**  
**فنانده محبوب شهر**  
 باشعبد باز سرشناس هالیوود Mike Wong و گروه رقص بین المللی لیل و لوتوس  
**949-651-8454**  
 برای اطلاعات و رزرو جایز تالار خانوادگی کاسپین

**هیچ بستنی و پالوده ای، بستنی و پالوده گل و بلبل همیشه**  
**آدرس: وست وود تلفن: ۲۱۲۱-۴۷۰۰ (۳۱۰) شعبه دوم ۱۱۶۲۸ ساتنامونیکا**